

افغان مینې مارکیت عرضه ککنده انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازهٔ افغانی درمنطقهٔ واشنگتن بزرگ

که تازه ترین موادخوراکی، انواع میوه های فصل، نان های تازهٔ وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد ازافغانستان، وگوشت های تازهٔ مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبیت تقدیم میکند ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با

Western Union

6566 Backlick Rd.Springfield, VA 22150

Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

عضوفعال تیم هندبال با خانواده‌اش در آب های یونان غرق شد

۲۴جنوری/کابل – آرمان ملی: زیرعزیزی عضو فعال تیم هند بال که خواست به اروپا برود، همراه خاتم و پسر کوچکش در حال عبور از آب های یونان غرق شده اند. مسئولان تیم هندبال کشورغرق شدن زیر عزیزی را تأیید می کنند. زیرعزیزی ۲۸سال سن داشته و مدت ده سال عضویت تیم ملی هندبال کشور را داشت و از بازیکنان لایق این رشته بوده است. زیر همچنان در چندین مسابقه نیز شرکت داشته است .



زیر عزیزی و یگانه پسرش

نبود امنیت و بیکاری باعث شده است تا هزاران شهروند کشور در جستجوی بنهنگی به کشورهای دیگرویژه اروپایی گردند. گفته میشود در یک سال گذشته ۱۶۰هزارشهروند افغانستان به مقصد کشور های اروپایی وطن را ترک کرده اند .

دوستم: از حکومت کنار نمی روم

۴ فبروری/کابل – تلویزیون نور: جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری، ناراض بودنش از مقام های حکومت وحدت ملی رامیبذیرد، اما شایعات مبنی برکنار رفتن ازحکومت راردمیکند. وی به شایعاتی پایان دادکه گفته میشد ازبهر پذیرفته نشدن خواست هایش از سوی رئیس جمهورممکن است ازحکومت کنار رود. آقای دوستم که روزپنجشنبه ۵ادلودرمیان شماری ازجوانان در کابل صحت میکرد، گفت به وعده هاییکه در زمان پیکارهای انتخاباتی به نمایندگی از اشرف غنی احملمزی داده بود، عمل توانسته است. قبلاسخنگوی جنبش ملی گفته بود عبدالرشید دوستم به دلیل عملی نشدن وعده های ریاست جمهور، ازطرف هوادارانش زیر"فشار زیاد "قراردارد. ایجاد وزارت امورجوانان، ایجادیک قوای خاص متشکل از نیروهای ارتش، پلیس ،امنیت ملی، خیزش های مردمی وپلیس محلی درچهار زون کشور از طرح های پیشنهادی آقای دوستم به حکومت بوده است. اما این طرح ها از سوی ریاست جمهوری رد شده است.

جنرال دوستم معاون نخست ریاست جمهوراز آغاز تلاشها برای تأمین صلح در کشورخوشبینی میکند، امامیگوید باید این تلاش ها به گونه دوامدار ادامه پیدا کند. پیشترسخنگوی جنبش ملی اعلام کرده بود که معاون اول رئیس جمهور، ازبهرپذیرفته نشدن برخی از خواستهایش از حکومت ناراض است و حکومت در صورت بی توجهی به این خواست ها، با واکنش جدی آقای دوستم مواجه خواهد شد.

ارگ آوازهٔ استعفیای وزیر داخله را رد کرد

۱۰فبروری/کابل –روزنامهٔ آرمان ملی:پس ازنشرگزارشها و آوازه ها در خصوص استعفیای وزیرامورداخله حالا ریاست جمهورسپردن استعفیای نورالحق علومی رای اساس میداند.معاون سخنگوی رئیس جمهور دیروز گذشته این را تأیید نکرد که وزیرامورداخله استعفاش را به رئیس جمهور سپرد باشد. براساس گزارشها برخی ازمنابع نزدیک به نورالحق علومی گفته اند که رئیس جمهوراستعفاى ویرانپذیرفته است. اداره آرمان ملی ازیک جنرال قرار گاهی وزارت امور داخله که نتواست نامش گرفته شودجویای وضاحت مطلب شد که در پاسخ گفت: در پهلوی عوامل دیگریکی ازعواملیکه بحران امنیتی را در کشوردامن زده، مسأله قومیت، فساد اداری و تشنه‌ای بیجاو بیهوده مقامات رهبری حکومت وحدت ملی، مداخله زورمندان درامور کاروزیران و والیان است. اکثرسلب صلاحیت ومحدود نمودن امکانات کاری برای عده از وزیران ووالیان که میخواهدنبه اوامرغیرقانونی وغیرموجه گردن خم کنند از عوامل عمده است که شاید عده از وزیران، والیان یا سایر کارمندان دولتی وطندوست راخته و مایوس نمایند.اما آقای نورالحق علومی وزیرامورداخله شخصیتیست شناخته شده، مسلکی، وطندوست و فداکار، با کفایت که با رأی مردم انتخاب و از غریال اعضای پارلمان که همه نمایندگان مردم اند مؤفق بدرشده است.

این مقام وزارت امورداخله افزود: آنچه بعضی از رسانه ها و فیسبو کیانی که ازاستعفاى وزیرداخله سخن پراکنی نموده اند در همچوشراطیکه وزارت دفاع وریاست عمومی امنیت ملی با سرپرستان اداره میگردد وحجم وظایف بالای نیروهای امنیتی وزارت داخله خلیلهاسنگینی میکند، عوض پاس وحرمت از رهبری، تبلیغات سوعلیه رهبری وزارت به قضاوت کسانی برمیگردد که با نور الحق علومی رانمیشناسند یا آگاهانه دست شان بدشمنان افغانستان و تروریستان یکی بوده که با پخش این گونه اراجیف آب به آسیاب دشمن می ریزند .

بنام خدا



در امریکانه

\$1.50

شمارهٔ هژدهم /سال بیست چهارم / دوشنبه ۲۵ دلو ۱۳۹۴ / ۱۵ فبروری ۲۰۱۶ / شمارهٔ مسلسل ۱۰۱۳

پند لقمان حکیم به فرزندش :

(ای فرزندم ! نماز بخوان، مردم را به نیکویی تشویق کن، و از بدی منع بدار . در زمین خرامان راه نرو . از عوام الناس روی مگردان، که خداوند دوست ندارد متبکران را .) حضرت لقمان حکیم در عهد حضرت داوود علیه السلام، پدر حضرت سلیمان علیه السلام می زیست. مرد دانا و حکیم بود. در قرآن مجید یک سوره به نام او نازل شده است . (نقل از تفسیر شریف کابلی)

امریکا سالانه ۲/۵میلیارد دالر در بخش های غیر نظامی به افغانستان کمک می کند

۱۰ فبروری /واشنگتن دی سی – تلویزیون نور: امریکادر نظر دارد دو اعشاریه پنج میلیارد دالرسالانه به افغانستان کمک کند. کاخ سفید این پول رابرای تاییدبه کانگرس این کشورفرستاده وپس از تایید کانگرس، درافغانستان دربخشهای غیر نظامی به مصرف میرسد. جان کری وزیرامور خارجه امریکا گفت کمک ۵/۲ میلیارد دالرمیتواند تاچندسال آینده دستاورد هادرافغانستان راحفظ کند. او افزود این پول دربخشهای مثل معارف، صحت، انکشاف اقتصادی وحکومتداری خوب به مصرف میرسد. این مقدار پول درحالی به افغانستان اختصاص داده میشود که پیش از این بارک اوباما در مصوبه فرستاده شده بودجه به کانگرس گفته بود که در افغانستان باید کمک های درازمدت انجام شود.

درعین حال جیمز کلپر رئیس اداره استخبارات امریکا گفته افغانستان درسال ۲۰۱۶ به خطر ناکامی سیاسی مواجه خواهد شد. او به مجلس سنای امریکاگفت دولت افغانستان درسیاست خودمقابل گروههای تروریستی به درستی عمل نکرد ه وامکان آن میرود که ناکامی سیاسی اینکشور رقم بخورد. او افزود تحرکات نظامی طالبان و گروههای تندرو درافغانستان بیشتر از گذشته شدت گرفته و در حال حاضر نیروهای امنیتی این کشور همه روزه در جنگ هستند.

انتقاد شورای ولایتی قندز از حکومت مرکزی

۶ فبروری /قندز – تلویزیون نور: شماری ازاعضای شورای ولایتی قندز می گوینداین ولایت باتهدیدسقوط بدست طالبان روبرو است.آنان افزودند فصل زمستان بهترین فرصت بود که بایدبه هدف سرکوب طالبان عملیات تصفیوی دوامدار راه اندازی می شد، اماشد. امرالدین ولی یک عضو شورای مذکوربه رسانه ها گفت مسئولان محلی ومقام های حکومت مرکزی با گفتن امروز و فردا این فرصت زمستانی را ازدست داده وحالا که بیش از یک ماه به فصل بهار باقی مانده اگر از این زمان کوتا هم استفاده نشود با گرم شدن هوا شهر کندز دوباره به دست طالبان سقوط خواهد کرد.غلام ربانی ربانی عضودیگران شورا گفت روزبروز وضع امنیتی درشهرقندز ولسوالی های اینولایت در حال وخیم شدن است و تاکنون خبری از راه اندازی عملیات تصفیوی برضد طالبان وجود ندارد و نیروهای امنیتی درحالت دفاعی قراردارند.مردم قندز بسیار زیاد نگران هستند و جنگ هم چهارطرف شهرقندز را فرا گرفته است.

بااینهمه محمد قسیم جنگل باغ فرمانده پلیس قندز می گویدبزودی به هدف راندن طالبان عملیات تصفیوی نیروهای مشترک دولتی درین ولایت راه اندازی خواهدشد. جنرال محی الدین غوری فرمانده فرقه بیست پامیرنیزمی گوید هم اکنون عملیات شبانه وعملیات مانوری پلیس درساحات مرکزی ولایت قندز ادامه دارد وقرارست در آینده نزدیک برضدمخالفان حکومت عملیات گسترده هوایی و زمینی راه اندازی شود.

این درحالیست که ازتصرف دوباره شهرقندز بیش از چهارماه میگذرد، اماتا هنوزطالبان مسلح درحومه های مرکز این ولایت حضور فعال دارند و دولت در خصوص راندن آنان اقدام عملی نکرده و این مسئله باعث نگرانی باشندگان این ولایت شده است.

انتقاد از نتیجه ندادن عملیات نظامی در بغلان

۶ فبروری /بغلان – تلویزیون نور: شماری از نمایندگان ولایت بغلان درشورای ملی وشورای ولایتی بخاطر پیشرفت نکردن نیروهای امنیتی وتقویت طالبان در حومه شهر پلخمري، ابراز نگرانی می کنند. بدنبال اهدام یک پایه برق درهفتم دلو بدست آن گروه در منطقه دندغوری در حومه شهر پلخمري، دولت به این منطقه نیرو اعزام کرد، اما این اقدام نتیجه ای در پی نداشته است.

بسم الله عطاش عضوی شورای ولایتی بغلان گفت با تجمع نیروهای دولتی به فرماندهی جنرال مرادعلی مراد، معاون رئیس ستادارتش در بغلان، این امیدواری تقویت شد که طالبان از منطقه دند غوری بیرون رانده خواهند شد، اما حالاً نه تنها این امر تحقق نیافته، بلکه امنیت شهرهای پلخمري و “بغلان مرکزی” نیز به خطر افتاده است. طالبان در چند ماه اخیر که بر منطقه دندغوری حضور داشته اند، برای خود سنگرهای مستحکمی ساخته و راه‌ها را ماینگداری کرده وعلاوه بر آن از حمایت های محلی در آجا هم برخوردار شده‌اند. به گفته اعضای شورای ولایتی بغلان، طالبان در منطقه “دند شهاب الدین” در منطقه پنجم شهر پلخمري و همچنین در حومه شهر بغلان مرکزی هم پایگاه نظامی برای خود تشکیل داده اند.

محی‌الدین مهدی نماینده ولایت بغلان در مجلس نمایندگان گفت طالبان مسلح از سراسر افغانستان وحتی از “خارج” در حال سرازیر شدن به ولایت بغلان هستند. به گفته او این امر و همچنین عدم اقدام جدی حکومت، باعث نگرانی مردم ولایت بغلان شده است. آقای مهدی افزود برخی محافل در درون دولت مراجع تصمیم گیری را تحت فشار قرار داده اند که در ولایت بغلان ازجنگ افزارهای سنگین استفاده نشود تا به غیر نظامیان آسیب نرسد، این فشار هادر واقع برای به تعویق انداختن عملیات نظامی علیه طالبان اعمال می‌شود. مهدی به این باور است که ممکن فراخواندن جنرال مراد از بغلان هم مرتبط با همین “فشارها” باشد. به گفته وی، پس از بازگشت این فرمانده ارتش، امیدواری هایی که برای بیرون راندن طالبان از اطراف پلخمري ایجاد شده بود، حالا به ناامیدی و نگرانی تبدیل شده است.

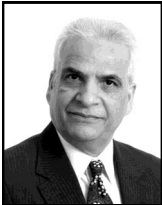
با اینهمه اما محمود حقمل سخنگوی والی بغلان میگوید عملیات علیه طالبان ادامه دارد، اما به دلیل این که طالبان در بین مردم جا گرفته اند، عملیات با احتیاط اجرا میشود و گام به گام به پیش می رود.

مقامهای بغلان میگویند طالبان ده روز پیش در منطقه دندشهاب الدین بغلان اقدام به تخریب دوپایه برق وارداتی ازازبکستان کبابل کردند و به همین دلیل کابل در این مدت با کمبود برق مواجه بوده است .

شمارهٔ ۱۰۱۳

بیمهٔ استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR, STATE FARM IS THERE.®



For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی ، افضل ناصرى

خانه، موټر، صحت
حيات، تجارت



گفتگوی تلفونی مسعود با ملاعمر در سال ۱۹۹۷

ملاعمر، رهبر طالبان، در یک گفتگوی تلفونی با احمد شاه مسعود، قهرمان ملی افغانستان در سال۱۹۹۷ گفت: “تاجیکها بایدبه تاجیکستان بروند، اوزبیک ها به ازبکستان و هزاره ها به ایران. ما افغان هستیم و این سرزمین مال ماست.” به گزارش جاودان، رویت گمن، روزنامه نگار و نویسنده امریکایی، در کتابی زیرعنوان “روایت ازدست رفته: اسامه بن لادن، طالبان و ربودن افغانستان” گزارش مختصری از یک گفتگوی تلفونی میان احمد شاه مسعود وملاعمر در ماه سپتمبر ۱۹۹۷ منتشر کرده، که متن برگردانده شده آن به زبان فارسی –دری قرار ذیل است:

روزی درماه سپتمبرسال۱۹۹۷،احمدشاه مسعودباملاعمر تماس تلفونی گرفت تا بداند اگر کدام راه حل از طریق صلح با کنار زدن اختلافات برای پایان یخشیدن به جنگ وجود داشته باشد. اوشماره تلفون ملاعمر را ازدفتر تلفون ملامحمد غوث، فردیکه در شهر مزار شریف اسیر شده بود، دریافت کرد. سکرترمسعود جمشید، تماس تلفونی رابرقرار کرد. مسعود پرسید: “یا ملاعمر تشریف دارد؟” “بله”، باور ملاعمر پاسخ داد : “امیر همین جاست”.

مسعود با استفاده از ادبیات دیپلماتیک از ملاعمر خواست تا به افغانستان آمده، یکجابه مشکلات افغانستان با یان بخشند. ملاعمر از مسعود پرسید که چه راه برون رفت را در نظر دارد. مسعود پیشنهاد کرد: “آتش بس، اداره موقتی، تدویر لویه جرگه ویا یک جلسهٔ با اشتراک نمایندگان مردم و یک انتخابات آزاد.” بگفته جمشید، ملاعمر در نخستین لحظه، حساس واحساساتی شده و گفت که ضرورت به وقت دارد تا در مورد پیشنهاد او فکر کند و تصمیم نهایی بگیرد.

روز بعد ساعت ۹ قبل از ظهر، مسعود دوباره باملاعمر تماس گرفت.اِینبار خلق و خوی ملاعمر تغییر کرده بود. ملاعمر گفت: “ما به حمایت شما ضرورت داریم.” مسعود پرسید: “چه نوع حمایت؟” ملاعمر گفت: “ببینید شما یک مجاهد هستید. از دیگران متفاوت هستید. شما فاسد نیستید. اما یک مانع برای امارات اسلامی شدید. اینکار را نکنید. شما میتوانید در تاجکستان نقش بازی کنید. تاجیکها شما رادوست دارند. میتوانید امارات اسلامی را تا تاجکستان وسعت دهید.”

مسعود پاسخ داد: “ما در باره افغانستان گپ میزنیم، جایکه عملاً جنگ جریان دارد و مردمش از آن رنج میبرند. این یک راه حل برای توقف جنگ نیست. ختم جنگ تمام آن چیز است که ما ضرورت داریم.”

ملاعمر گفت: “افغانستان باید تنها یک قدرت یارودی نظامی داشته باشد چرا که ممکن نیست در جاهای مختلف گروههای مسلح موجود باشند.” “مسعود گفت : “تا زمانیکه یک راه حل درست ومورد قبول عام ملت افغانستان نباشد، جنگ ادامه خواهد داشت.”

صحبتهای شان داغ شد وملاعمر گفت: “ما قدرت داریم. تعداد ما زیاد است و میتوانیم متناقی کشور رادر یک شب ویک روز تصرف کنیم. سلاحهای خود را به زمین بگذارید، تسلیم شوید.” شکست مزار شریف در ذهن ملاعمر بود، او ادامه داد: “ما ۴ هزار شهید طالب نداده ایم که بگذاریم مردم در روی جاده ها تصمیم گیرنده در مورد کشور شان باشند. طالبان امارات خود رامیخواهند. ماتمام قربانها رابخاطر امارات اسلامی متحمل شدیم و تا تاسیس آن ادامه میدهیم.”

گفت وشنید شان رو به فرجام رسیده بود و ملاعمر با این سخنان خدا حافظی کرد: اگر او [مسعود] از آنها حمایت نکند، باید افغانستان را ترک کند.” تاجیکها باید به تاجکستان بروند، اوزبیکها به ازبکستان و هزاره ها به ایران. ما افغان هستیم و این سرزمین مال ماست.” (بر گرفته از سایت جاودان)

مجاهدین برای یک جنگ دیگر آماده شوند

۹فبروری /تخار – آرمان ملی : احمدصیا مسعود، نمایندهٔ ویژهٔ رئیس جمهور در امور اصلاحات وحکومت‌داری خوب در ولایت تخار به فرماندهان جهادی گفت منتظر روند صلح نبوده و آماده نبرد باشند.

آقای مسعود که روز گذشته درنستنی با حضور فرماندهان جهادی در شهر تالقان مرکز ولایت تخار، صحبت می کرد، هشدار داد که طالبان در بهار سال آینده حمله های گسترده رابرای تصرف ولایتهای قندز، تخار و بدخشان راه اندازی خواهند کرد، واز آنها خواست تا برای نبرد با این گروه آماده باشند. مسعود میگوید اگر مجاهدین و فرماندهان محلی برای این جنگ تمام عیار آماده نشوند؛ سقوط ولایتهای شمال شرقی بدست طالبان حتمی خواهد بود.

مسعودافزود: روند صلح تازه آغاز شده و دوامدار است. به گفتهٔ او؛ تا زمانیکه کشورهای دخیل در مسأله افغانستان منافع شان از طریق گروه های تروریستی تأمین نشود، روند صلح نتیجه نمی دهد.

این اظهارات درحالی مطرح می شود که رئیس اجرایی با ابراز خوشبینی از گفتگو های صلح، گفته تا شش ماه دیگر روند گفتگو های مستقیم با طالبان آغاز می شود .

به جای غاصبان زمین، افراد فقیر زندانی شدند

۹فبروری /ننگرهار – آرمان ملی: نيلوفر عزيز عضو شورای ولایتی ننگرهار میگوید مقامهای محلی این ولایت افرادی را در بند کرده اند که تنها توان خرید یک بادوسوه زمین را داشته اند و نیروهای امنیتی آنانرا بدلیل اینکه زمینهای شما غصب شده است، زندانی کرده اند. دولت شعار بازداشت غاصبین زمین راصادر کرده، اما درین شعار مردم فقیر قربانی میشوند. خانم عزیز میگوید، رئیس جمهور زمانیکه در ننگرهار سفر کرد به تمامی نیروهای امنیتی دستور داد تا با غاصبین زمین برخورد جدی کنند و زمینهای غصب شده را پس بگیرد. آقای غنی همچنان به والی وفرمانده پلیس ننگرهار دستور داده بود، کسانی را بازداشت کنند که زمینهای دولتی را بالای مردم بفروش رسانده اند. مافیای بزرگ زمین در ولایت ننگرهار که به ارزش میلیونها افغانی زمینهای دولتی را غصب وبه مردم به فروش رسانده اند، آزادانه گشت وگذار میکنند و نیروهای امنیتی توان گرفتاری آنان را ندارند .

پروفسرداکتر حمیدهادی کرویلا بنای شمالی **احياء راه ابريشم و سياست چين در منطقه** در طول تاريخ معاصر افغانستان ديده شده که دولت چين برخلاف قدرتهای بزرگ ديگر جهان مانند روسیة شوروی، امریکا و برتانيه، محافظه کار بوده ودر برابر کشورهای ديگر وممالک همسایة خود از تشدد، جنگ وخونریزی اِباء ورزیده وبِآنها ازراه صلح ومسالمت پيش آمد کرده است. کشورچين باوجودی که امروزاز نظر اقتصادی و نظامی هم قطار امریکا ميباشد، درسياست خارجي خود خیلی محتاط بوده از تفکر و فلسفه کارميگيرد و بر کشورهای خرد وبزرگ نمی تازد، و بر منابع طبيعي آنها دستبرد نمی زند.

گرچه امریکا در کشورهای اسلامی خصوصاً شرق ميانه جنگ وخونریزی بی سابقۀ رابر اِنداخته است، رهبران چين خاموشانه دربی آن اند تا بعد اقتصادی خود را درين سرزمين هاوسعت دهند. درحاليکه پس ازواقعهٔ يازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ وحملهٔ دهشت افگنان عرب بر امریکا منجر به حملهٔ امریکا بر افغانستان و بعد بر عراق شده و کشورهای عراق، مصر، ليبيا وسوريه ازمه پاشيده ومنجر به توليد شصت مليون مهاجر شد، که نصف آن اطفال ميباشند، دولت چين دربی انکشاف پروژه های اقتصادی وتعمير راه ابريشم بر آمده تاساحۀ نفوذ اقتصادی خود را زپاکستان، ايران و افغانستان بسوی کشورهای شرق ميانه وممالک غربي توسعه بخشد.

درچند روز گذشته دولت چين کنفرانسی دايرنموده وبانمايندگان افغانستان، پاکستان وطالبان دربارهٔ راه حل معضلات سياسي افغانستان مذاکراتی را آغاز نمود . من درين نوشتهٔ مختصر ميخواهم برپلان اقتصادی چين درين موضوع، خصوصاً در رابطه باپاکستان، ايران و افغانستان تبصرۀ کوتاه نموده وبيشتر مسألهٔ افغانستان رامورد بحث قرار دهم .

–رابطۀ کشورچين باپاکستان سابقۀ طولانی دارد. توأमित بين ايندو کشور از يکطرف بخاطر رقابت چين باکشور هندوستان ميباشدواز طرف چين سعی دارد پاکستان را بخاطر کاهش نفوذ امریکا در قلمرو سياسي واقتصادي خودداشته باشد. حتی ازمزمانیکه روس ها بر افغانستان تعرض نموده بودند وپاکستان بحيث یکی ازم متحدين امریکا در تريبۀ مجاهدین وتدارک جنگی عليه روسها در افغانستان فعاليت ميکرد، تا امروز کمکهای چين به پاکستان ادامه دارد. از جملهٔ کمکهای چين به پاکستان یکی معاونهای اقتصادی و ديگری انکشاف اسلحۀ اتومی برای پاکستان بوده است. درين ايام، سياستمداران پاکستان بافرست بی نظیری توانستند درين معامله های سياسي ازهر دو کشورچين و امریکا بهره برداری نمايد. درين اواخر، بادر نظر داشت تعمير شاهراه اقتصادی ابريشم، دولت چين یک قرارداد اقتصادی راه مبلغ ۴۶ بليارد دلار با امضانموده است. براساس اين پلان، نه تنهاپاکستان بحيث یک مارکيت مهم اقتصادی چين خواهدبود، بلکه چين با تعمير اين شاهراه به بندر گوادر درلوچستان پيوست و از آنجا از طريق بحر هند، به جهان غرب توسعه خواهد يافت.

– درمورد پروژه های چين وايران بايد گفت: ازمدت شانزده سال به اين طرف، خصوصاً پس از واقعهٔ ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ که دولت امریکا متحدين آن sanctionيا تحریم اقتصادی را بر ايران شدت بخشيده اند، دولت چين باخوشی درزير برده برای توسعهٔ پلاهای اقتصادی خود با تهران همکاری بی سابقه نشان داده است. در معاملهٔ اقتصادی با ايران، اولاًچين ازنفت ايران ومواد petrochemicalآن استفادهٔ اعظمی برده، تکنالوژی ومارکيت اقتصادی خود را در اين کشور ۸۰ مليون نفوسی افزايش بخشيده وبالاخره ازاين طريق نفوذ اقتصادی خود را که هميشه توأم بايشرفت روابط سياسي ميباشد، به ممالک ويران شدۀ شرق ميانه توسعه خواهد بخشيد. برخلاف روابط امریکا بااين کشور ها، توأमित چين بااين کشورها يکطرفه نبوده بلکه اين کشور درآبادی کشور های اسلامی کمکهای زیادی نموده است. مثلاً پروژه های تکنالوژی و کامپيوتر بين دو کشور خیلی موفقانه پيش ميرود. امروز دستگاههای کامپيوتر ايران یکی از پيشرفته ترين سيستم در جهان ميباشد. برقراری توأमित وکنفرانسهای بين انستيتوت تکنالوژی مساجوست امریکا ودانشگاه هاروارد ودانشگاه (شريف) در ايران اين حقيقت را تايد می کند.

امروزیک شرکت شخصی چين در ناحيۀ زرين آباد ايران یک فابريکۀ ذوب آهن راه مبلغ دوصدمليون دالر تعمير نموده است. درين فابريکه که هفتصد نفر کارگر واتجنير مصروف کار ميباشند، قرار است سالانه شش صد هزار تن آهن توليد نمايد. بکار انداختن اين چنين فابريکات نه تنها ايران رابسوی صنعتی شدن وتمدن جديد رهنمايی ميکند، بلکه عواقب بهتر اجتماعي وسياسي در آينده بدنبال خواهدداشت. علاوه تاجين با ايران موافقه نموده که در ظرف ده سال آينده تجارت خود را در آن کشور به مبلغ ششصدبليارد دالرافزايش بخشد. کشورچين در ايران یک شهر ا بزرگ Express Way را تکميل نموده و پروژهٔ حفريات معادن رابرای انکشاف آن سرزمين رويست گرفته است. یکی از فعاليتهاي چين در ايران تعمير تونل (نيایش) می باشد که بزرگ ترين تونل جهان است که در یک شهر بنا يافته است. اين تونل به طول سه ونيم مایل بوده وتکميل شده است. علاوه تا ساختمان متروی تهران که تعمير آن در سال ۱۹۹۵ آغاز شده بود، با مونتورهای آن تکميل ومورد استفادهٔ عامه قرار گرفته است. دولت چين برای بهبود حمل وتقل در ايران هزارها م تر ساخت چين راه قيمت ارزان فروخته است. گفته ميشود که با امتداد اين توأमित های اقتصادی باچين و بر طرف شدن تحریم اقتصادی، ايران بحيث یک کشور بزرگ ومتمدن در شرق ميانه وآسيا قد علم نمايد.

– در افغانستان، پلاهای اقتصادی چين مواجه به مشکلات عظيمی خواهد بود. طوریکه اطلاع يافتيم، درين اواخر آقای صلاح الدين ربانی وزير امور خارجه باهييتی عازم چين شد تا بحکومت چين ونمايندۀ پاکستان وطالبان برهبريت سياستمداران چين دربارهٔ صلح در افغانستان وبپروژه های اقتصادی چين بحث نمايد.

بازاين رفتن نفوذ روسها در افغانستان وضعف امریکا در حل مشکلات منطقه، دولت چين اظهار علاقه نموده است تا پادرميان بگذارودبرای آوردن صلح در افغانستان آزمایش بخرج دهد. مقصد از علاقهٔ چين در افغانستان آنست تا با آوردن صلح درين سرزمين، پروژه های اقتصادی خود را درين مارکيت اقتصادی جابجا نموده واز افغانستان به کشور های آسيای ميانه چون تاجيکستان، اوزبکستان، قزاقستان وترکمنستان پيش رفته، از آن مارکيتهای اقتصادی برای تطبيق پروژه ها استفاده و به معادن سرشار نفت آن سرزمينها دستر سی يابد.(دنباله در ص ۶)

Omair Weekly

P.O. Box 30818 Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول : محمد قوی کوشان

داکتر محمد شریف فایض

تأملی بر جلد دوم (افغانستان در مسیر تاریخ) گذشته در حال و حال در آینده

بانشراين سلسله مقالات، نگاههای خيره ومردد و تبصره های نيشدار بعضی هموطنان را متوجه خود کرده ام. بعضی ها از من می پرسند چرا اين مقالات (تخریشی) در چنين وقتی ؟ يا که چرا گفتم اين تهاجم باز از جنوب آبد وبر شمال ستم کرد؟ پاسخ به اين پرسشها را از متن کتاب افغانستان در مسیر تاريخ، استخراج کرده وبآنچه امروز در وطن ميگذرد، ارتباط داده ام. هر پاسخ با کلماتی از متن کتاب ضم شده واستبداد ديروز در تقارن با استبداد امروز مطرح شده است. بنابرين به علتی اين سلسله رامينويسم که همه شاهديم که باز همان سه گانۀ استبداد+ واپسگرایی + استعمار، در قیافتی ديگرو بار تجاع در رأس آن تظليث نامقدس آمده است. به علتی که باز کوهدامن و کلکان در خون غلتيده و در آتش ميسوزد(*) ومحمد گل خان ديگری بنام ملامتقی با یک قوۀ مهاجم چند هزار نفری حشری[در پروان و کاپيسا دست به عملياتی (ديگر) زده که در یک کشور فحش شدۀ خارجی هم مجاز نيست.] به علتی که بازاين استبداد[دولایت بزرگ قطغن رابحيث دشمن تلقی] و [وحشت بی سابقۀ] براه انداخته و باز [شکنج خانه ها] پر از چوب و تاز يانه وقين وفانه] است. باز[زنجير و زولاته که در عصر امانيه قانونا زين برده شده بود... مجدداً در گردن و پای محبوسين] انداخته ميشود. [کشتار ها و اعدامهای دسته جمعی] جريان دارد وباز [زنان محبوس... مورد تعرض وهتک عصمت محافظين] قرار ميگيرند

به علتی که باز ارتجاع با علم وعالم، هنر وهنرمند، شعر وشاعر، وچمن و بلبل در ستيزاست؛ باز زیر عنوان امنيت[نه تنها دزد وقطاع الطريق دشمن امنيت است، بلکه هر که اندک تشويشی در افکار و حواس مردم اندازد، او هم دشمن امنيت است.] باز نوازنده با هنرمند يا شاعر ديگری به گناه سراين غزلی، ترسيم نقشی وسرودن شعری مجازات ميشود و[گلوه های آتشين در آتش سرخ شده درزير بغل او گذاشته] ميشود. دگراندیش ديگری باز اعدام، جاجبس وبآواره ميگردد. باز پشاور، آن شهر فتنه ها و دسايس، که ديروز در آن غلام محی الدین خان آرتی را[با گلولۀ تفنگ بدست مرموزی يکشتند] روشنفکران امروز افغان را آماج تير های مرگبارش قرار ميدهد.

به علتی که غبار بياد مامی آورد آن روزهای سپاه را که قطعه های مغز صدها مبارز ومتفکر افغان از ذهن آن توپها در کوه ودمن ميریخت! وخون داغ بر لبۀ تيغ جلاد فرصت خشکيدن رانداشت! و زندانها با هزار ها انسان ييکانه مزدحم بود وهست و در محاکم نمايشی استبداد داور و دادستان و شلاقزن جلاد بود وهست. به علتی که بيادآوريم آن روز های نکبت بار را که استبداد نان زندانی را از کوچه وبازار گدایی می کرد، طوقی آهنی بر گردنش می انداخت، ودستهای رابه زنجير می بست وبرای گدایی به کوچه وبازار می برد. غبار ميگريد که سپاهی محافظ یک سرزنجير را گرفته، زندانی رادر بازارها برای گدایی از دکانی به دکانی ميرد تا خرج روزش را پيدا کند [در حاليکه خاندان حکمران واعوان و انصارش به نمونۀ لاردهای متمول انگلستان، از پول چنين ملتی زندگی مينمودند] به علتی که بدانيم که سياست نادر و ارتجاع عمر [بر مبنای ايجاد نفاق بين القومی وتوليد دشمنی بين مردم کشور] بود وهست. طوریکه در جريان تهاجم واستعمار حکم دهشت اين استبداد در هرات، کابل، مزار واکون در شمالی ديده ايم، آن استبداد هم در آغاز [حمله به کابل عدۀ از خونين پاکتيای راه اغتنام وتاراج داخلي کابل واداشت و از صعوبت زندگی اين مردم سوءاستفادۀ سياسي نمود. به اين معنی که تاراج ارگ سلطنتی وخانه های طرفداران حکومت سکوی رادر کابل بريشان مباح نمود. خزاین ارگ سلطنتی رابه يغما بردند وخانه های متعددی رابعوانان طرفداری از چيۀ سقا تاراج نمودند. در حاليکه چيۀ سقا در کابل چنين عملی رامرتکب نشده بود وخانه هایی را که به داشتن اسلحه مظنون واقع ميشد، فقط به تفتيش آن قناعت ميکرد...]

به علتی که بايد بدانيم که سياست تبعيض وتفرقه از نوع نادری و طالبي آن بر خدمت مردم استوار نيست، همين حکومتی که به وسيلۀ مردم پکتيا بقدرت رسيد، در راه [بلندبرن سويۀ زندگانی ... مردم پکتيا کوچک ترين قدمی] بر نداشت، و [هم از وحدت واتحاد داخلي پکتيا جلوگيري کرده وآتش رقابتهاو تعصبات عشيره ای را بين شان مشتعل می گذاشت.]

به علتی که بدانيم که اين دستگاه نفاق انداز پاکستان که در کشور ما تا کنون هراه صلح واتحاد مردمی رابسوی ماينزار جنگ وخونریزی برد، همان دستگاه جاسوسی انگليس است که پس از خروج از خاک هند [اسالم ودست نخورده بحيث ميراث به دولت پاکستان منتقل گرديد.] به علتی که بازاين استبداد به تاسی از همان سياست استعماری [شعار تفرقه انداز وحکومت کن راسر مشق... و وسيلۀ دوام خود] قرارداده وباز[دراثر اين سياست تبعيضی قضيهٔ اقليت و اکثريت وتفرقه های زبانی، نژادی ومذهبی در کشور بيدار وتشديد] گرديده وباز به شکل ديگری [زمينۀ رضايات واستفادۀ سياست استعماری اجانب رافراهم] کرده است. به علتی که بدانيم که آن استبداد هم اولين کاری که کرد[انسداد مدارس زنان، انجمن نسوان کابل و جریدۀ ارشاد نسوان بود. شاگردان افغانی را از کشور ترکيه اجبارا رجعت داد و در زير برغ و دلاق مستور نمود] و [هيچ متعلمی قادر نبود که در مدرسه از سياست حرف بزند وسعی ميشد که جوانان نورس، جبون ومتلق حتی چاپلوس بار آيند.]

به علتی که بدانيم که فرحت وسعادت همواره در انحصار استبداد بوده، اما فرحت وسعادت شاذ وناسالمی که از شکنجه و قتل وتاراج ملت لذت ميبرد، در کابل بنا بر استبداده نادر [تمام تفرجها، پهلو انها... با تمام مبله های موسمی مردم واصناف مختلف شهر... منسوخ شده بود واز هيچ محلهٔ کابل صدای ساز وآواز شنيده نمی شد] وامروز بايد تر از ديروز، باز کابل، هرات، مزار وسرتاسر قلمرو اميرارهاب نه تهادد کام رنج واندوه جانکاه فرورفته، بلکه در آمد روزانۀ یک قبر کن و کفن دوز که بازار شان از همه ييشتر داغ وبر تقاضاست، تنها چندقبله نان خشک به منزل می آرد. به علتی که بايد بدانيم که چرا طالب به نام اسلام وشريعت وحشتناک ترين صحنه های قصاص وسنگسار وبه دارآويختن ومثله کردن تن های نيمه جان رادر محضر توده های مرعوب وسر کوفته در استند يوم هاومعابر بر گزار کند؟ از اطفالی که مشاهدان اين صحنه هاهستند وبدينال پدران شان ميروند وتاريخ ديروز را تکرار ميکنند، چه توقع داريد ؟

افغان فونديشن تقديم می کند :

داکتر عزيز غوثی : تاريخ افغانستان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳

با سر نوشت هفت پادشاه ما

برای خوانندگان امید : ۲۵ دالر (شامل هزینه پست)

The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362

Telephone: 805 241 0780

احمد عمران

سخنان حیرت آور فرمانده نیروهای ناتو ونشست‌های چهار جانبه

با وجود همهٔ خوش‌بینی‌هایی که نسبت به نتایج نشست‌های چهار جانبه وجود دارد، اما تا هنوز هیچ جرعهٔ امیدوارکننده درخصوص نتایج آن هویدانشده است. نمایندگان با امیدواری فراوان در این نشست‌ها که گاه در اسلام‌آباد و گاه در کابل برگزار میشود، شرکت می‌ورزند وبا لبان متبسّم از آنها بیرون میشوند، بدون آنکه گفته بتوانند چقدر به یک طرح مشترک برای صلح نزدیک شده‌اند.

از جانب دیگر، مشکل صلح در افغانستان تنها به نشست‌های چهارجانبه محدود نمیشود واین سکه روی دیگری نیز دارد و آن طالبان‌اند. موضع طالبان در خصوص آغاز گفت‌وگوهای صلح چندان روشن به نظر نمی‌رسد، هرچند کشورهای پاکستان و چین قول مساعد داده‌اند که طالبان را پس از توافقی در مورد نقشۀ راه، به میز مذاکره حاضر می‌سازند. اما پرسش اینجاست که طالبان چقدر حرف‌شوی ازین کشورها دارند واز جانب دیگر، چقدر اینکشورهاخوانان واردشدن طالبان به میز مذاکره اند؟

طولائی شدن روند نشست‌های چهارجانبه نمی‌تواند حاکی از وضعیت مطلوب این نشستها باشد. گمان می‌رود که حرف وحديثهای بیشتری در جريان است که کمتر رسانه‌یی میشوند. برخی‌ها از اختلاف دیدگاه‌ها در ميان هيأت‌های موجود درين نشست‌ها سخن ميگویند و تأکيد دارند که هنوز هيچ توافق مشخصی درخصوص گفت‌وگوهای صلح به‌دست نيامده است. با آنکه معلوم نيست اين اختلافات از چه نوع وجنسِي‌اند، ولی گمان برده ميشود که ميان نمايندگان چين وپاکستان از یک‌طرف ونمايندگان امریکا و افغانستان از طرف ديگر بر سر مکانيسم گفت‌وگو های صلح و نقشۀ راه اختلاف‌هایی به‌وجود آمده است. اما اين‌که اين اختلافات چيستندو در چه سطحی‌اند، هنوز کسی چيزی نمی‌داند؛ ولی طولائی شدن مذاکرات به خودی خود نشانگر آن است که هنوز نتيجۀ خاصی اذرون اين گفت‌وگوها ومذاکرات بيرون نشده و اين اميد نیز وجود ندارد که نشستهای چهارجانبه در آينده نتيجه‌بخش باشند. باتوجه به اينکه روی ديگر سکۀ نشستهای چهارجانبه که گفت وگوهای صلح باطالبان است، هنوز درهالۀ از انهام قرار دارد. بر اساس گفته‌های یک شرکت کنندۀ کنفرانس پگواش که اخيرادر قطر برگزار شد، مسئول دفتر طالبان درين شهر گفته که هيچ چيزی درمورد نشستهای چهارجانبه نميدانند و نه هم دستور خاصی درين مورد ازسوی رهبري طالبان در يافت کرده است .

اگر واقعاً طالبان از جز يات نشستهای چهارجانبه به دورنگه داشته شده‌اند، بايد هدف خاصی برای اين کار در نظر گرفته شده باشد. عدم آگاهی دفتر قطر از جز يات نشست‌های چهارجانبه، ميتواند به اين معنا باشد که در حال حاضر طالبان بعنوان يکطرف گفت‌وگوکننده مطرح نيستند. پس در نشست‌های چهارجانبه روی چه مسایلی بحث می‌شود و چرا رئيس اجرائی دولت وحدت ملی از آغاز قريب‌الوقوع گفت‌وگو های صلح باطالبان خبر داد؟ ازسویی هم، چرا در سمين نشست چهار جانبه در اسلام‌آباد در مورد شرکت برخی نمايندگان طالبان در نشست بعدی که قرار است در کابل برگزار شود، ابراز اميدواری شد؟ اين سوال‌ها در حال حاضر بی‌پاسخ‌اند و بايد منتظر بود و ديد که چه اتفاق‌هایی قرار است بيفتد .

موضوع قابل توجه ديگر، موضعگيري اخير جان کمبل فرمانده نيروهای ناتو در افغانستان است که در استائۀ کنار رفتن ازين سمت، طالبان را گروهی آدم کش وتروريست خواند. آيا جان کمبل خواست روی ديگر سکه را نشان دهد که هنوز کسی در مورد آن چيزی نمی‌داند؟ او با اين جملات چه چيزی را خواست که به مردم افغانستان و جامعهٔ جهانی بگويد؟ آيا استراتژی امریکا در قبال مسايل منطقه در حال تغيير است؟ جنرال کمبل بسيار زیرکانه وبا احتياط اما در عين حال درمقطع حساسی اين جملات را بر زبان آورد. اوزمانی طالبان را تروريسـت خواند که نشست‌های چهارجانبه در اسلام‌آباد ادامه داشت وبدون شک در آن صحبت از آيندۀ طالبان می‌رفت، آن‌هم در نشستی که در یک طرف آن نمايندۀ امریکا حضور داشت .

اينکه جنرال کمبل اين سخنان را از سربى اطلاعی گفته باشد، بهيچ صورت منطقی به نظر نمی‌رسد. او فهميده ودقيق سخن ميگفت ونشان ميداد که در پا يان مأموريتش در افغانستان، به نتایجی در مورد اين کشور دست يافته است. اما ازسوی ديگر جنرال کمبل اين سخنان را نمی توانست بعنوان نظرات شخصی خود مطرح کند. او هنوز فرمانده نيروهای ناتو در افغانستان است و پا يگاه حقوقی خاص خود را دارد.

بهرحال، به نظر ميرسد که اتفاقیهای تازه در شرف وقعي‌اند و آينده آـ بستن حرف وحديثهای تازه در قبال منطقه و افغانستان است.
لـرو زمانۀ ماندگار۔
کابل۔

به علتی که طالب هر چند خود را اسلامی نشان بدهد، شقاوتش در کشتن و مثله کردن مخالفانش ريشه در استبداد ديروز دارد. شکنجه کردن ومثله کردن تن نيمه جان قاتل نادرخان، عبدالخالق را از زبان غبار بخوانيد: [عبدالخالق نيمه جان را پيش کشيدند واز او پرسيدند: با کدام چشم سبنۀ شاه را نشانه گرفتي؟ آنگاه باتيغ برهنه چشمش را از کاسۀ سربدر آوردند. با کدام انگشت ماشۀ تفنگ را کشيدی؟ وآنگاه انگشتش را با ليۀ تيغ بريند. بدین صورت اين متظاهرين شريعت اسلامی کشتن به طرز مثله کردن را ترويج نمودند. عبدالخالق آخ نگفت و آرام باقی ماند. آقا يان درباری امر کردند تا عا سکا ر مسلح پيش آمدند وبا برچۀ تفنگ آن موجود شکنجه ديده وزحمت کشيده را مانند جال زنبور سوراخ سوراخ نمودند، در حاليکه مرد مرده بود... وجسدش در خاک آغشته به خون به شکل مشکولۀ در آمده بود که بهر طرف لول داده می شد.]

هدف از ارتکاب چنين اعمالی وحشيانه، گسترش ترس ودهشت در بين توده هاست، توده هایی که فرزندان شانرا، حافظ در مدرسه و مکتب اين پند راميدهد :

آسايش دو گيتی تفسير اين دو حرف است

با دوستان مروت ، با دشمنان ملارا !

اما در فرهنگ نادری و عمری وديگر مستبدان آسايش گيتی تنهاي قتل دشمنان وبردگی دوستان ممکن است !

افغان فونديشن تقديم می کند :

داکتر عزيز غوثی : تاريخ افغانستان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳

با سر نوشت هفت پادشاه ما

برای خوانندگان امید : ۲۵ دالر (شامل هزینه پست)

The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362

Telephone: 805 241 0780

عبدالودود ظفری

درو د به ارواح شهدای تلوزیون طلوع لعنت به هماسلطانی ودیگر طالب پرستان
محبیب مشعل گزارشگر روزنامهٔ نیویارک تایمز گزارشی رازیر عنوان (یک بمبگذار طالبان به زندگی پر تپش کارمندان تلوزیون پایان داد). درشمارهٔ ۲۲جنوری ۲۰۱۶ آن روزنامه به نشرسپرده است. من پس ازیک تبصره، برگردان فارسی گزارش راخدمت تقدیم میدارم.

در حالیکه به ارواح شهدای تلوزیون طلوع، منادیان آزادی بیان دعا و درود می فرستم، وازبارگاه خدای یگانه برایشان طلب مغفرت می نمایم، وبرای خانواده های غمزدهٔ شان صبرجمیل آرزومیکنم، به خانم هماسلطانی، نمایندهٔ غزنی درشورای ملی وحامیان دیگرقبیله پرست و تفوق جوی طالبان که قتل و کشتار بیرحمانهٔ آنها را بخاطر ادای تعهد وخوشنودی آس آس آی پاکستان، توجیه میکنند، لعنت میفرستم. امیدوارم که درشورای ملی، مردان وزنان باشاهمت وجودداشته باشند تاهماسلطانی رابخاطر بیان مزخرف، دور ازانسانیت واسلامیشث که گفت:«خدواندبزرگ راسپاسگزارم که درنتیجهٔ حملهٔ فدایی یکنعداد انسانهای پلید و ولدالزنا ی امریکا مردارشدند. پروردگارشهادت فدایی راقبول کند وبهشت برین رانصیبش گرداند ومردارشدگان کثیف واولاد نا مشروع امریکا وسایر کفار را دراسفل السافلین قرار دهد.» به میزمحاکمه بکشاند واورابا سلب صلاحیت وکالت، ازشورا خارج گردانند، تاباشد این زن هرزه و شرف باخته، جزای گفتار بد خودرا ببیند. هما سلطانی چندی پیش هم درداخل تالارشورای ملی در حضوروکلای ملت، ادعا کرده بود که ملاعمر درخانهٔ وی میباشد، در حالیکه ملاعمر زنده نبود، درپاکستان یا کشته شده یاصورت عادی مرده بود. وظیفهٔ جدی رسانه ها، حامیان آزادی بیان، نهادهای اجتماعی وقانونی میباشد که صدای طالب پرستانهٔ این زن بی عرضه را خاموش گردانند وازراه های قانونی مصونیت و کالت وی راسلب بدارند.

طرح ادامهٔ قتل و کشتار، انتحار واقفجار ویدامنی در دفترآی اس آی ریخته میشود، مالا های بدبیت پاکستان به دساتیر تخریبی آی اس آی صحه میگذارند. بصورت یقینی گفته میتوانیم که قتل هفت کارمند تلوزیون طلوع هم به هدا ت آی اس آی ومولانا های پاکستان، که نشرات طلوع به مذاق سیاسی شان برابر نی باشد، صورت گرفته است. چنانچه طالبان نوگر پاکستان طی یک بیانیه اعلان کرده بودند [تلوزیون طلوع بخاطر پیشبرد کارهای زشت، بی دینی، فرهنگ خداجی وبرهنگی، هدف نظامی می باشد]

همه میدانند که مردم وحکومت افغانستان به معتقدات ویاورهای دینی واسلامی خود صادقتر وبهتر از مردم وحکومت پاکستان عمل می نمایند، در اماکن تفریحی، سینماها وتلوزیونهای افغانستان درمقایسه باسینماها وتلوزیون های پاکستان، صحنه های نفرت انگیزی عصمتی وبرهنگی نمایش داده نیی شود. درپشاور درشهرمسکن مولانا فضل رحمان، سمیع الحق وبسیاری دیگر، نمایش زندهٔ صحنه های انحرافی وغیراخلاقی وسکسی وجودداشته ودارد. هیچگاهی این نمایش های زنده، ضد دین وضدفرهنگ، واکنش روحانیون ومذهبیون ایالت صوبهٔ سرحد(پختونخوا) را برنیانگیخته است، ولی برنامه های هنری ستارهٔ افغان تلوزیون طلوع، که استعدادهنری جوانان را رشد میدهد، در نزد آنهاونوکران جاهل شان، طالبان، عمل ناروا، غیراسلامی وقابل سرزنش پنداشته میشود.

آنچه ازبی عفتی وفحاشی درپاکستان، بخصوص درایالت پختونخوا وجود دارد، شمهٔ از آن درافغانستان دیده نمیشود. خوانندهٔ عزیزابه مشاهدهٔ (نمایش زنده) در وبسایت پر بینندهٔ (همایون) دعوت میکنم که درآن یک خانم پاکستانی که بیش از نود درصدبدنش برهنه است، دیده میشود که درمسابقهٔ رقابت میکند. همچنان در همان وبسایت ویدیویی به نمایش گذاشته شد که درآن سه زن پاکستانی بصورت زنده درستیز سینمای شمع درپشاور درحضور صدهامردم شهوتران پاکستانی وخارجی درضمن اجرای ورقص، خود را عربان میسازند و بدتهای سرتاپا برهنهٔ شان رابه نمایش میگذارند.

آ یامولاناها ومالا های بدبیت پختونخوا درشهری که خودشان زندگی میکنند، کور هستند که آنچههم صحنه های فجیع وضداخلاقی رانمی بینند، وبرای مردم شدیدا مسلمان سنتی افغانستان ویانده به باورهای دینی خود، (شریعت طالبانی اسلام آباد) راتجویز میدارند. این روش دوگانه ونامعقول مولانا های پاکستان چیزی جز(کورخود بینی دیگران) بوده نمی تواند! اینهم برگردان فارسی گزارش نیویارک تایمز:

یکی از کشته شدگان(شهاده) یک جوان رسام بود که پلان داشت عروسی کند، دیگری جوانی بود وبراستار که درزمان فراغت از وظیفهٔ رسمی، به ساختن فلمهای مستند میپرداخت وخواب بر نده شدن جائزهٔ اوسکار رامیدید. سومی کسی بود که یک طفل خود را سال پیش دراثن یک مریضی ازدست داد، اکثر ا تصویر طفل دیگرش را درفسوبک به نمایش میگذاشت وامیدوار بود آینهٔ بهتر داشته باشد. آنها پس از ختم کار روزانه در تلوزیون طلوع، یکی ازبزرگترین چینل های تفریحی درافغانستان، بروز چهارشنبه ۲۰جنوری هنگام بالا شدن در بس مربوط به تلوزیون، دچار سانحه شدند که یک طالب انتحاری موتری را که میراند، بایس تلوزیون تصادم داد، هفت نفر را به قتل رسانیدویست و پنج نفر رازخمی ساخت.

طالبان از ماهابهذ بنظر ادعامیکردند که دستگاه تلوزیون طلوع (هدف نظامی) میباشد، زیراقول طالبان گزارشگران تلوزیون بطور مبالغه آمیز دربارهٔ جنگجویان طالبان از قندز گزارش میداندنوطالبان را که مدت کوتاهی قندز را در اشغال داشتند، متهم به ارتکاب جنایت کردند. تلوزیون طلوع وشرکت حامی آن، موبی گروپ، در برابر تهدید طالبان تاجایی به امنیت خود توجه کردند وامیدوار بودند که تهدید چیزی بیش از یک تهدید عادی نباشد.

این اولین انفجار بمب علیه یک رسانه بود که طالبان مسئولیت آنرا به دوش گرفتند. انفجار که کشنده ترین بمبگذاری بضد کارمندان یک رسانه بود، خطر رابه روزنامه نگاران مسلکی در کشور برجسته میسازد. دوستان وخویشاوندان، قربانیان حادثه را جوانان مبتکر وایجادگر خواندند که از چندسال بدینطرف با کار خود تلوزیون طلوع رایکی از بر محرک ترین وبرتپش ترین رسانه های تفریحی درافغانستان تبدیل کرده بودند. پس از انجام انفجار، طالبان با انتشار بیانیهٔ تلوزیون طلوع را (یک شبکهٔ استخباراتی) وانمود کردند، که در پیشبرد کار های زشت، بی دینی، فرهنگ برهنگی خدمت میکند.

سعد محسنی رئیس ومدیر اجرایی موبی گروپ، بروز پنجشنبه باتاکید بیان داشت:«صداهای کسانی را که از دست دادیم، فراموش نمیکنیم، صدای افغانستان با این حادثه خاموش نمی گردد.» فعالان رسانه ها تعهد سپردند که حمله، جلو کارشان را گرفته نمی تواند. بقول صدیق الله توحیدی، رئیس ملی گروپ حمایت از رسانه ها، با وجودیکه در حملود پنجاه گزارشگر افغانی وخارجی و افراد مسلکی رسانه هادر ۱۴ سال گذشته درافغانستان کشته شده اند، کار ادامه دارد. آقای توحیدی افزود: «طالبان فکر میکنند که با حمله میتوانند جلو حرکت چرخ مطبوعات آزاد را بگیرند، ولی روزنامه نگاران به تکرار نشان داده اند که

نمیتوان کارشانرا متوقف ساخت.»

بسیاری از کسانیکه روز چهارشنبه به قتل رسانیده شدند، تنهاتان آور خانواده هایشان بودند. محمد جواد حسینی ۲۸ساله، وبراستار، زودتر از معمول دفتر را ترک کرد تا درس چوکی خالی گیریاورد که در جریان هفت سال در رفت وآمده کار وخانه، از آن استفاده میکرد. اهنوز دود ویدیوی ناتمام داشت که وبراستاری کند تا دریوتیوب بگذارد. اوبه آمرخود تعهد سپرده بود که ویدیو هارا صبح فردا به اکمال میرساند.

وقتا که خبر انفجار پخش شد، مادر جواد حسینی از آنطرف شهر با وار خطایی تلفون نمود تا احوال فرزند خود را بگیرد. اضطراب روزانهٔ خانواده های شهر کابل با افزایش حملات طالبان بیشتر شده است. جواد حسنی به تلفون مادر جواب نداد. یکساعت بعد زنگ تلفون بصدا آمد کسی سیم کارد تلفون جواد را از تلفون در حال سوختن جواد خارج کرد وبامادرش تماس گرفت وبرایش گزارش داد که جواد در میان تلف شدگان میباشد، به شفاخانه یباید. مادرسؤال کرد کدام شفاخانه؟ زخمی است ویامرده؟ خانواده به جستجو آغاز کردند، از یک شفاخانه به شفاخانهٔ دیگر، از یک مرده خانه به مرده خانهٔ دیگر رفتند، اجساد ی را که قابل شناخت نبودندوبسیار سوخته بودند، مشاهده کردند. یک دوست جواب بنام علی سید حسینی که او هم کارمند تلوزیون طلوع میباشد،و بحث گزارشگر وظیفه اجر امینما بد گفت: [یک دندان شکسته بود ومن آنرا برداشتم که دندان جواد است ولی آن دندان از جواد نبود. این به مایدمیدهد که جواد نمرده، زنده است.] ادعای دوست جواد غلط ثابت شد، جواد مرده بود، جسدش در بیمارستان وجود داشت که به یک مرده خانه در غرب کابل انتقال داده شد. بدنش کاملاً سوخته بود وپس از ۱۵ساعت هنوز بدنش خون میداد. کارگران مرده خانه تلاش کردند بدنش را پاک کاری کنند، چند بار کفن را تبدیل کردند، بالاخره جسد را در پلاستیک پیچانندند.

جمیل صدیقی، یک دوست دیگر جواد حسینی که او را ازمزمان دانشجویی در رشتهٔ علوم سیاسی دردانشکده میشناخت، اظهار نمود : [جواد یک آدم خلاق بود.] جواد کار را در تلوزیون طلوع آغاز کرد که هنوز دانشجوی بود واز عاید کارش مصارف تعلیمی خود رامیبرد اذخت هنگامیکه از کار فرصت می یافت، به ساختن فلمهای مستند مشغول می شد. من بصورت مزاح وخوشی، روزی برایش گفتم: [وقتا که جائزهٔ اوسکار را به یکی از فلم هایت نصیب شوی، مرا حتا سکر تر خود هم قبول نخواهی کرد، دوستی را در جایش بمان !]

برادر جواد از اقدام حکومت مایوس بود، ولی گفت که انتقام از یک منبع دیگر بصورت غافلگیرانه تحقق خواهد یافت: [خواهرم در اردوی ملی وظیفه دارد، وی یک شیر زن میباشد، اگر برادرم را درسنگردفاع از آزادی بیان کشتند، او انتقامش رامیگیرد.]

قربانی دیگر حادثهٔ انفجار بس، مهر به عزیزی بود که ازمزمان نوجوانی (سال های ۱۲-۱۹) کار را در تلوزیون طلوع آغاز نمود ودر شعبهٔ نقاشی که هنوز ۲۲ سال داشت، ارتقا کرد. همکاران ودوستانش گفتند که او همیشه در جش و تپش کار خود بود. مهر به عزیزی یگانه دختر دوست داشتی خانوادهٔ خود بود. زمانیکه از یک سفر سه روزه کاری از خارج بازگشت، تمامی اعضای خانواده برای پذیرایی در فرودگاه کابل حضور داشتند. محمد نعیم، یک دواساز وهمسایهٔ عزیزی گفت شخصیکه اطلاع تلفونی انفجار بس را دریافت کرد، عموی مهر به بود. زمانیکه عموش به بیمارستان رسید، پدر ومادر مهر به قبلاً به شفاخانه رسیده بودند وبامشاهدهٔ جسد سوختهٔ دختر شان، هردو بیهوش شده بودند. پنج روز پیش دوشیزه مهر به عزیزی پذیرفته بود که با پسر عموش عروسی کند، ولی بخاطر فوت یکی از نزدیکان خانواده اعلان رسمی نامزدی تاروز جمعه به تعویق انداخته شد.

عزیز الله پسر عموش اظهار کرد: [همه دیوانه وار عاشق رفتار و سلوک وی بودند، بامرگ خود همهٔ ما را ک رخت ریی حس ساخته است.]/.

***** (داستانها... دنباله از صفحهٔ ۵) متأسفم برادر جان که اینقدر ندارم که قرضهای ترا بدهم، ولی صبر کن موقع پرداخت حقوق برسد از سهم شخصی خودم برمیدارم وبه تو میدهم وشروط برادری رابجا خواهم آورد. اگر نه این بود که عائلهٔ خودم خرج دارند، تمام سهم خودم رابه تو میدادم و چیزی برای خود نمی گذاشتم! -چی؟! صبر کنم تاوقت پرداخت تحقوق برسد؟ بیت المال وخزانةٔ کشور در دست توست وبه من میگویی صبر کن تا موقع سهمیه ها برسد و از سهم خودم به تو بدهم؟! تو هر اندازه بخواهی میتوانی از خزانه بیت المال برداری، چرا مرا به رسیدن موقع پرداخت حقوق حواله میکنی؟ بعلاوه مگر تمام حقوق توازیت المال چندر است؟ فرضاً تمام حقوق خودت رابه من بدهی، چه دردی از من دوامیکند؟ - من از پیشنهاد تو تعجب میکنم، خزانهٔ دولت پول دارد یاندارد، چه ربطی به من وتو دارد؟ من وتو هم هر کدام فردی هستیم مثل سایر افراد مسلمین. راست است که تو برادر منی ومن باید تا حدود امکان از مال خودم به تو کمک ومساعدت کنم، اما از مال خودم، نه از بیت المال مسلمین .

مباحثه ادامه داشت وعقیل باز باتهای مختلف اصرار وسماجت میکرد که: اجازه بده از بیت المال پول کافی به من بدهند تا من دنبال کار خود بروم . آنجا که نتسته بودند به بازار کوفه مشرف بود. صندوقهای پول تجار وبازارها از آنجا پده میشد. در این بین که عقیل اصرار وسماجت میکرد، علی به عقیل فرمود: اگر باز هم اصرار داری وسخن مرانی پذیر ی، پیشنهاد ی به تو میکنم، اگر عمل کنی میتوانی تمام دین خویش رابردازی و بیش از آن هم داشته باشی !-چه کار کنم؟ -در این پایین صندوقهایی است، همینکه خلوت شدو کسی در بازار نماند از اینجا برو پایین واین صندوقهارا بشکن وهر چه دلت میخواد بردار!

- صندوقها مال کسبه است؟ - مال این مردم کسبه است، اموال تقدینهٔ خود را در آنجا میریزند. - عجب! به من پیشنهاد میکنی که صندوق مردم رابشکنم ومال مردم بیچاره که به هزار زحمت بدست آورده و در این صندوقها ریخته وبه خدا توکل کرده و رفته اند، بردارم وبروم؟- پس تو چطور به من پیشنهاد میکنی که صندوقهای بیت المال مسلمین را برای تو باز کنم؟ مگر این مال متعلق به کیست؟ این هم متعلق به مردمی است که خود راحت وبیخیال در خانه هایشان خفته اند. اکنون پیشنهاد دیگری میکنم، اگر میل داری این پیشنهاد رابپذیر!

- دیگر چه پیشنهاد ی؟ اگر حاضری شمشیر خویش رابردار، من نیز شمشیر خود را برمیدارم، درین نزدیکی کوفه شهر قدیم (حیره) است، در آنجا بازرگانان عمده وپروتمندان بزرگی هستند، شبانه دوفری میرویم وبریکی از آنها شیخون میز نیم وثروت کلانی بلند کرده می آوریم ! - برادر جان! من برای دزدی نیامده ام که تو این حرفهارا میزنی، من میگویم از بیت المال وخزانةٔ کشور که در اختیار تست اجازه بده پولی بمن بدهند تا من قروض خود را بدهم . - اتفاقاً اگر مال یکنفر را بلزدیم بهتر است از اینکه مال صد هاهزار نفر مسلمان، یعنی مال همهٔ مسلمین را بلزدیم. چطور شد که ربودن مال یکنفر یا شمشیر دزدی است ولی ربودن مال عموم مردم دزدی نیست؟ تو خیال کرده ای که دزدی فقط منحصر است به اینکه کسی به کسی حمله کند وبازور مال او را از جنگاش بیرون بیاورد ؟ شنیع ترین اقسام دزدی همین است که تو الان به من پیشنهاد می کنی! / (دنباله دارد) توصیه : لطفاً این داستان رابه گوش رهبران افغانستان نرسانید، در غیر آن بر شما همان میرو د که بر کار کنان تلوزیون طلوع وسایر رسانه های کشور رفت !

دا کتر غلام محمد دستگیر

الحاج امان الملک جلاله. سلام (پخش آخر)

یک سؤال بی نهایت بیجا ! که به بزرگواری شما محترم الحاج صاحب هیچ موافق نیست؟ مرا منتهم ساخته ادعا کرده اید که: چرا شفیع عیار را (الگو رول مادل) خود ساخته اید؟ ومن شما را به این تهمت ی که بر من بسته اید قابل عفو نمیدانم، ی یاباید که قبل از اینکه ببینم اسلام در بارهٔ تهمت چه فرمایشات دارد روی مضمون الگوی نان لحظهٔ مشغول شوم: در عین زمان برایتان تبریک میگویم از اینکه یک اصطلاح جدید درلست لغتنامهٔ دری شامل ساختید؛ الگو رول مادل ! ولی در اصل الگو یک لغت و رول مادل یک اصطلاح است.

الگو کلمهٔ فارسی است که درعربی به آن(اسوه)گویندودر انگلیسی Pattern یاد شده وما بیشتر به الگو توجه میکنیم. الگو، را دا کتر علی اکبر دهخدا در لغت نامه اش معنی های وسیعی داده که چنین است: سرمشق، مقتدی، اسوه، قدوهٔ (پیشوا)، مثال ونمونه. واما رول مادل یک اصطلاح انگلیسی است که برای اولین بار توسط رابرت کی میر تون یک عالم سوسیولوژی معرفی گردید. رول مادل، شخصی است که روش وباموقعیت وی توسط دیگران تقلید و تعقیب میشود ومثال عمده همان اطفال تین ایچرها (سنین دههٔ دوم زندگی) که دوست داران یک اتلیت مسلکی و یا یک آرتیست موسیقی ویاسینمائی تاحد پرستش دوست داشته حتی تقلید مینمایند. وبامعلم خوب راشاگردش رول مادل خود ساخته از اسلوش در آینهٔ خود مستفید میشود ویا والدینی که میکوشند برای فرزندان شان یک رول مادل باشند تا فرزندان فامیل مردمان خوب و مفید جامعه بار آیند. شما من حیث یک فرد ولسی، چطور بخود جرأت داده اید تا الگو یا پیشوای من، یک فرد را که شفیع عیار باشد ویا حضرت صבעهٔ الله مجددی ویا هر نام دیگر در جا ومقام رسول الله محمد مصطفی (ص) قرار دهید.

تهمت آنست که شخص بدون دلیل ومدرک بر علیه شخص دیگر سخن بگوید، بعبارهٔ دیگر با یک ظن و گمان نادرست از شروع نوشتهٔ تان تا اکنون شما بارها بر من تهمت بسته اید. اکنون بنگرید که قرآن مجید، پیامبر خدا وامامان در بارهٔ گناه تهمت چه فرموده اند: در سورة الاحزاب آبت ۵۸ خداوند چنین فرموده : (و آنانیکه تهمت میکنند (میرنجاند) مردان مسلمان وزان مسلمان را بدون گناهی که بعمل آورده باشند؛ هر آینه برداشتند پنهان و گناه ظاهر(آشکار) را (تفسیر کابلی، چاپ جدید، جلد پنجم، صفحه ۱۶۴)، علاوهٔ از طیرانی نقل شده است: کسیکه در مورد شخص ی سخن بگوید که در شان او نیست تابدنویسیله آن شخص رابه عیبی منتهم بسازد خداوند متعال او را در آتش جهنم تاوقتی حس میکند که گفته اش را ثابت کند. امام صادق رحمه الله علیه میفرماید: (جرم تهمت زدن به شخص ییگانه از کوه های عظیم نیز سنگینتر است). آمده است که تهمت ازدونگاه وارد میشود: یکی، بخاطر جهالت بکسی تهمت میزنند و آنرا بیان میکنند بدون آنکه اثبات شده باشد و دوم اینکه: بعضیها عمداً به کسی تهمت میزنند بدون اینکه اثبات کنند و این بیشتر کار حسود است. از حضرت علی (رض) روایت است که: ... هر شخصی که مرد یا زن مسلمانی را مورد تهمت قرار میدهد و او را به آن چنان عیبی منسوب میکند که در او نیست، در روز قیامت او را تا آنوقت بر تپهٔ از شعله های آتش می ایستاند که آن شخص خودش راتکذیب کند (بگوید که من دروغ گفتم). حضرت ابو درداء روایت نموده که رسول الله فرمودند: کسیکه برای بدنام کردن مسلمانی حرف خرابی رابیان میکند که در آن مسلمان وجود ندارد الله تعالی او را در آتش زندان میکند تا زمانی که حرف خود را ثابت کند. و هم به این بیت نظامی گوش دهید:

عاقبت چون ز کینه شد سرمست تهمت ی از دروغ برهن بست

از سعدی بشنود: تائیک ندانی که سخن عین صوابست

باید که به گفتن لبی از هم نگشائی

گراست سخنگویی ودر بند بمانی به زانکه دروغت دهلداز بندر هائی محترم الحاج امان الملک جلاله صاحب، باز یک تبصرهٔ بیهوده نموده مرا از جملهٔ حواریون سرسپردهٔ شفیع عیار قلمداد کرده اید. باز هم تهمت یست که شما باید برای جوابدهی آن قسمیکه در بالا ذکر شد آمادگی بگیریبد. در قسمت سوال (یا درجهٔ تحصیل وعلم و دانش شما پائینتر از او وسویهٔ فهم و ادراک شما در تثبیت حقیقت کمتر از شفیع عیار است که زیر تاثیر بیابیه های منحرف وعوام فریابانهٔ او، مانند پیروان داعش وطالبان قرار گرفته مسحور سخنان فریبنده او شده شمشیر رزم آرائی در مقابل مخالفین شفیع عیار از بنام کشیده اید؟) بسیار متأسفم! از زبان قلم که خداوند (ج) درباره اش در قرآنکرم با الذی علم بالقلم و سورةٔ مبارک القلم مقام داده و یاد نموده چنین کلمات سخیف ومزخرف با دست یک کلاتسال فرد ولسی تراوش میابد. بآتهم میخوام دربارهٔ درجهٔ تحصیل، تثبیت حقیقت، بیابیه های منحرف، مانند پیروان داعش وشمشیر رزم... تبصرهٔ چند داشته باشم که ذیلاً حضور مبارک شما تقدیم میگردد:

در قسمت درجهٔ تحصیل وعلم و دانش شما مرا براه غلط ،خود ستائی وخود نمائی، رهنمائی کرده اید ودر اینجا پارچهٔ از شعر مرحوم علامه پژواک بخاطرم گذر کرد که خوب بحال مردم بیچارهٔ ما و سالار های مغز تهی موافق به نظر میرسد و از اینکه به حروف پشتو نیست معذرت میخوام:

که دا حال او دا احوال د افغانان وی که تفاق دود او دستور د مسلمان وی اوسنی جاله وانان کشتی وان وی دا توپان لکه چه اوس دی راراون وی د وطن یلی سینگه نه دویزی

لو به خدایه نه پوهیژم، ته می پوه کره لو به خدایه

وهم شما الحاج صاحب محترم لمحّه خواستید تا مرا با بهتر بودن از شفیع عیار، که نزد من یک وطندار مسلمان ومومن است بر سقف کبر وغرور بلند برده از آنجا پرتابم کنبد تا باشان شوم، و خداوند را شکر گزارم که این سحرمردود بر کرسی اغفال تکیه نزد وسورةٔ اعراف آبت ۱۲ را بخاطرم بیاورد که: انا خیر آ منه خلقتنی من نار و خلقته من طین. و آبت ۳۶ در سورةٔ النساء الله لا یحب کل مختالافخور یعنی حقا که خداوند متکبر و خود ستار ا دوست ندارد. و هم بیتی از پنج کتاب یا پنج گنج سعدی که در سنین پنج وشش نزد پدر جنت مکانم تا دیرهای شب تدریس میشدم بیاد آوردم که میفرماید:

چودانی! تکبر چرا میکنی؟ خطا میکنی و خطا میکنی

محترما من چگونه فکر کنم که دانش او از من پائینتر است، کی؟ میدانند که چه کسی چه مقدار با چند قطرهٔ از بحر دانش نصیب شده است. اینقدر میدانم که اگر تقدیر شفیع عیار را به ماتمسرای پلچرخ ی رهیاب نمیکرد ومنهم مهاجر نمیشدم روزی در صنفی که من لکچر جراحی میدادم اوحاضر میبود ومن از آواز طنزهای یک جمله ای او ضمن لکچر خود میشنیدم وحظ میبردم. اما قضا وقدر که ما به ان ایمان داریم هر چند مابکوشیم، پلان بگیریم و تصورات داشته باشیم حکمش را پس زده نمی توانیم. در تابستان سال ۱۹۷۹ بود که بعد از لکچر اساسات جراحی برای محصلین دانشکدهٔ طب کابل بدفتر پوهاند غفور رحیمی همصنف عزیرودوست گرامی ام استاد کرسی یوشیمی که خداوند(ج) روحش راشاد وبهشت برین را جایگاهش سازد برای صرف جای رفتم ودر آنجا برام گفتند که امروز (رئیس اتحادیهٔ محصلین) را از پی سی بی دستگیر کردند متأثر شدیم اما نتشناختم که این جوان کی بود تا اینکه شفیع عیار خودش اظهار داشت که آن جوان محبوس، همان رئیس محصلین بود .

اکنون بر می گردم بر(تثبیت حقیقت) ! که شما نوشته اید : (دنباله در ص ۶)



پوهنوال داکتراسدالله حیدری

شمهه دربارء رنج های مقدسی

نسیم رهروای فرزندالله حیدری خدایت داده است، اخلاق وایمان نکردی خم سرت برخلق وپرچم شدی درپیش وجدان شادوشادان خداوند منان ونهایت مهربان راسپاس ییحد وشکرانه‌عی پاپان، که در همین اواخر باوجودتکلیفهای صحنی زیاد که دارم،برایم توفیق مطالعه سه کتاب از فرزانه فرزندان وطن عزیزمارا از سایت وزین گفتمان غنایت فرمود. این کتابها عبارتنداز:اول – فرار از کام مرگ،خاطرات زندان داکترمحمدعثمان هاشمی. دوم – جنایات حزبی جلد۲ (جنایات هفتم ثور)،درباره‌حزب دموکراتیک خلق افغانستان (محمد شاه فرهود). سوم – رنج های مقدس ،خاطراتی از شکنجه درزندانیهای خاد (محمد نسیم رهرو).

بنده که مدت هفت سال دراتحادشوروی سابقه تحصیل کرده وبعداز آن مدت پانزده سال را تاترک اجباری وطن محبوب ما در انستیتوت پولی تخنیک کابل که بگفته این وطنفروشان خلقی وپرچمی،به منزه‌ه ستون فقرات احزاب کثیف شان بود،تدریس نمودم.چه در شوروی سابقه وجه درزمان تدریس در انستیتوت پولی تخنیک کابل،این نو کران وچاکران سوسیال امریالیسم شوروی راخوب میشناختم. کار یک تعداد شان جاسوسی وخدمات بیشرمانه دور از اخلاق افغانی وانسانی بود .

باوجودیکه دیپلومهای سرخ وبلندبالای دیگررا از باداران خودگرفته بودند، اکثرالیاقت واهلیت آن دیپلومهارانداشتند،مگربه نسبت حزبی بودن خودچوکی های کادرهای علمی پولی تخنیک،پوهنتون کابل ودیگرمؤسسات علمی کشور را قبضه نموده بودند.ترقیعات علمی شان بصورت اتوماتیک بالامیرفت. مگر جلوصاف دانش شان نزدشاگردان ازآب برآمده بود. ازهمین روآنهاهیچ یک استادلایق ودانشمند رادیده نداشتندو تا توانستند آنهارا با ازوظایف اخراج ویا به بهانه های دروغین روانه زندانهای مخوف صدارت، شش درک وپلچرخ ی یا زندانهای دیگر نمودند که متأسفانه یکعهداد زیادشان درراه آزادی وسربلندی وطن خویش، جاهای شیرین شائرا ازدست داده شهیدگردیدند. جنات الانعیم منزل وماوای شان باد .

باآنچه گفته آمدم، پیش ازمطالعه‌کتابهای فوق الذکرتا این حدانظلم و شکنجه های این وطنفروشان وحیوانات دویا که درحق فرزندان وطیپرست ما روا میداشتندآگاهی زیاد نداشتم. گرچه خودم نیز تقریباً یک ماه را در زندان خاد میدانشهروخاد شش درک کابل گذشтанده بودم ومعجزه آسا ازندرجلادان رهایی یافتم که تفصیل آن از حوصلهٔ این سطور به دور است.

برادر وطنپرست ما،آقای نسیم رهرو درقلب گرمای ماه اسد درسال ۱۳۶۰ ه.ش. به جرم آزادی وطن از دست خرس های قطبی وغلامان پست فطرت و فرومایه شان ، دستگیروروانه زندان شد. نسیم رهرو مدت دهسال رابا مشقات و زجرهای بیشماردرزندانهای صدارت و پلچرخ ی کابل گذشتانند. هرقدر شکنجه های فزیک ی وروحی برایش دادند،مگر از نزد آن راد مرد بالیمان ومتعهد،چیزی را که مستطقین خونخو را باداران روسی شان میخواستند حاصل شان نیامد.

رهرو از آن بزدلانی نیست کز فرط عذاب

سربه پای خائثین خلق وپرچم خم کند

هرقدر کردند شکنجه آن جوان بی بدیل

حاصل ازنزدش نکردند آنچه را می خواستند

نسیم رهرو دردرنجهای مقدس ازاوقایعنها وشکنجه های که درده سال زندانی بودن خود وسایر آزادگان زندانی، ولو که دارای مفکوره های مختلف سیاسی، ولی برعلیه اشغال وطن عزیزشان مبارزه نموده و محکوم برزندان،شکنجه های زیاد وحتی اعدام شده بودند، صادقانه یادآوری، همدردی وهمنوائی مینماید. ازجمله صداهزار هموطن مظلوم ما که بچرم ناخچودنی!!مخالفت باکودتای وطنفروشان خلقی وپرچسی واشغال وطن محبوب ماتوسط خرسهای قطبی، مجبوس، شکنجه واعدام گردیدند، متأسفانه نتوانستند که خاطرات زندانها، شکنجه ها،تحقیرهانیش زبان زدن ها،بیخوابی ها وده باررفتن شان تاپلیگونها و زجر دادنهای بی حد وحصرجسمی وروحی رادرقید قلم آورده وبرای نسلهای آینده کشورانتقال دهندوباخود درگورهای دستجمعی وناپیدا پخاک سیه برزند. امااندک مردانی هستند که تاحد امکان،آن خاطرات جان سوز و جگر خراش را درقیدقلم آورده وبرای نسلهای آینده‌وطن ارمغان وودیهه گذاشته اند. رنج های مقدس یکی ازاین هدایای بی بدیل خاطرات دهساله زندان برادر گرامی ما نسیم رهرو میباشد. او درمدت ده سال زندان از دست جلادان خلقی وپرچمی ،وحشیانه ودور از کرامت انسانی شکنجه شد.

مرد باید که درکشا کش دهر سنگ زیرین آسیاب باشد

آن سنگ زیرین آسیاب نسیم رهرو بود که مردانه واستوارایستادگی کرد و کوچکترین اعترافی از وی گرفته نتوانستند .

مرحبا ای پور افغانس
مرحبا سرفراز هستی به دوران
مرحبا

نام نیکت زیب تاریخ وطن است
رنج هایت مقدس،
مرحبا

اگرهمرزمان نسیم رهرو بیکارشهید شدند،مگر رهرو عزیزدر طول ده سال، هزارها بار درهر لحظه وهردقیقه درچند قدمی شهادت میرسید. تصوراتینچنین حالت خیلپها مشکل وحتی ناممکن است. نسیم رهرو بالاخره بعد ارزرنج هاو شکنجه های دهساله ازجنگال درنده ها رهائی یافت، مگر خاطرات بسیار تلخ و چشم دیدش ازنندان تا آخر عمرش با وی خواهد بود. همانطوریکه میگویند، آدمی ازنسنگ سختتر وازل گل نازکراست، رهروهمان ازنسنگ سختترها بوده و خالق متعال استقامت وتوان پایداری رابرایش داده بود تا سرمشق دیگران گردد. بلی رنجهای مقدس تراژیدی است که مطالعه آن برای اشخاص وطنپرست،ا نسان دوست وداری قلبهای رقیق وباعاطفه، بدون ریختن اشک ناممکن است. لعنت خداونفرن ملیونها هموطن ما برآن جانبانی باد که هرروز وشب، خفاش گونه زندانیان مظلوم وییگناه را به جوقه های صد نفری یا بیشتر به پلیگون ها برده ویبرحمانه تیر باران میکردند تا درزندانها جای بیشتر برای محبوبین تازه وارد خالی شود.

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ آى مُنْقَلَبٌ يَنْقَلِبُونَ –وبزودی خواهند ظالمان دانست که باز گشت شان به کجاست.(سوره‌عبار کهه الشعرا).

نه شاعرمنه ادیب،لیک برحد توان زهجو خائنان وطن،شاد وخرسندم مجاهدلم به قلم گرچه دورم از میهن به هر کجا که روم بازهم،یک افغانم به خدمت وطمن حاضرم ازدل وجان به خائسان وطن تا ابد،خروشانم (به خائنین وطن یک سره ستیزه و کین مراست مسلک وکیش ومراست مذهب ودین)

در آخرگرچه قدری ازاصل موضوع به حاشیه میروم مگر بالاجزه دوستان وبرای ییداری وجرئت یابی جوانان وطن در مقابل (دنباله در صفحهٔ هفتم)

پروفیسرداکتر عبدالواسع لطیفی

صفحاتی ازیک زندگی پر نشیب و فراز در وصلت وطن ودر غربت هجرت (بخش ۱۳)

نصایح عالمانه وسودمند عم بزرگوارم استادعبدالرشید لطیفی را هیچگاه فراموش نکرده ام وسرمشق نوشته هایم درهمه رشته های اجتماعی، ادبی و علمی وترجمه هایم میباشد. درین راستا، یادم ازیک نصیحت تاریخی آندره موروا، نویسندهٔ شهیرفرانسه آمد که وقتی یک خانم جوان که تازه به جهان نویسدگی قدم میگذاشت، از او طالب رهنمایی شد، نویسندهٔ نامور، که بسنده سالهاقبل دروطن عزیز اثر ممتاز اورا زیر عنوان (مکتوب سرکشاده به جوان امروز) ترجمه کرده بودم، به خانم مذکور چنین گفت: [همانطوریکه یک مادر حامله کودکی راقبل ازولادت نه ماه تمام درطن خود پرورش میدهدوبا خون خود تغذیه میکند تاخوب نشو ونما کند وصحیح وسالم به دنیا آید، یک نویسنده نیز بایدنکات عمده وحساس را نخست برای مدتی درحافظه ودماغ وشعائر خود پرورش دهد وباعصارهٔ دانش وتجربه و استعداد خود تغذیه کند، تاصحیح و دلپذیر وخواندنی روی صفحهٔ کاغذ پدیدار گردد.]

بهرحال، ضمن آموزش و کسب معلومات بیشتر دررشتهٔ نو بسندگی، در جریان دروس صنف دوازدهم مکتب استقلال بود که بانوشتن یک مقاله طبق پروگرام درسی وتهیهٔ (کامپوزسئون) به زبان فرانسوی، برای نخستین باربه اصطلاح (اتو کریتیک) یا(انتقادخودی) آشناشدم. موسیو یونا معلم ما درمضمون فلسفه و ادبیات فرانسه، پس از اصلاح و تبصرهٔ لازم برمقاله ام، درحاشیهٔ آن نوشت که این موضوع زیادتز جنبه های اتو کریتیک دارد. متعاقباً درصنف، حین ابرازنظر برمقالات شاگردان، اصطلاح او تو کریتیک را باتمام کوایف وپهلوهای انتباهی آن جهت یهود کرکترها واصلاح غلطی ها واشتباهات انسان وجامعه ابکه در آن زندگی میکنم، تشریح کرد. بعدنقش نویسدگانی را که از چنین شیوهٔ استفاده میکنند، مهم ومؤثر قلمدادندمو... از آنروز به بعد در اکثرمقالاتم موضوعات و نکات انتقادی رابراوضاع اجتماعی می گنجانیدم وسی می کردم مسئولیت و اشتباهات خودرا نیز درزمینه تذکر دهم، وبه اصطلاح کورخود بینای مردم نباشم. ولی افسوس که انسان نمیتواند چنین خصلت محاکمهٔ خودی رادرهمه احوال وشرايط حفظ کند، ازخطاهاپندبگیرد وبه غلطهاواشتباهات خود اعتراف کند، بنده که بهتر ازدیگران نبوده ام، سهو واشتباهاتی درزندگی ام داشته ام که عندالموقع به شمائیز بیان خواهم کرد.

امادر نوشته هایم کوشیده ام واقعین و(ریالستیک)باشم، وموضوعاتی بنویسم یاترجمه کنم که باحقایق و رویدادهای میرهن وراستی ها مطابقت داشته باشد. همچنان حتی الامکان سعی کرده امد انعکاسات و گزارش رویدادهایی را که بقلم آورده ام که در آن ارادهٔ تزلزل ناپذیر وثبات معنوی انسانها، واصل مبارزوی ومقاومت بشری دربرابر مشقات وناملایمات زندگی، خاصتا هنگام نبود حق مقابل باطل و ظهورحوادث ناگوار، بطور بارز پدیدار باشد. روی همین اهداف، سالهاقبل دروطن عزیز داستاں وسرگذشت واقعی یک خانم مبتلابه سرطان را زیرعنوان (مجادلهٔ من بامرگ) از مجلهٔ پاری ماج ترجمه کردم که حاکمی از مقاومت ومبارزهٔ معنوی او دربرابر مرض مهلک سرطان بود وباجود پیشبینی اطبای معالجش که عمر کوتاهی برایش ستجیده بودند، سالهای متمادی زنده ماند وسایهٔ مرگ واضمحلال را از خوددور کرد.

همچنین درین سالهای جاری در دیارغربت سعی کرده ام پارچه هایی رابنویسم یاترجمه کنم که شجاعت وایستادگی رادرمردان ومدافعان خاک مقدس وطن را دربرابر متجاوزین وتهیکاران وسیاهلدان منعکس ازد، وخصلت تاریخی مقاومت های حماسی ملت باشاهامت مارا تبارز دهد. (سرود مبارزان) یکی ازهمین پارچه هاست که باری به همچو مبارزان ومدافعین وطن اهدا کردم اینک بخشی ازآن :

دیگر مگو که سایهٔ مرگ برسر ما گسترده است،

بنگر که این آسمان مکلر آبستن روزهای روشن است،

آن روزی که نزدیک شود تا ببرد عطش انتظار ما،

آن روزی که دشمن ازعزم محکم من و تو به لرزه در آید،

ازسرزمین درختان سبز تا قفل پوشیده با برف ها،

رنج و درد وعزم متین بوده است بدرقهٔ راه ما،

هر آنجا که فرو ریخت خون همراهان سربه کف

گلهای شجاعت بشگند وسبزهٔ پیروزی پهن شود

اندیشه مکن از سنگین این شام تاطلوع آفتاب،

که خود امید وحب وطن بود مشعل شهای تار ما !!!

فراغت دورهٔ تحصیل مکتب : دروس صنف دوازهم مکتب استقلال به پایان میرسیدومن خیال میکردم روزیکه شهادتنامهٔ فراغت تحصیل رابدست آورم، دیگرمه چیز راتاسرحد کمال آموخته میباشم وجزهٔ افراد فهمیده اجتماع به حساب خواهم آمد ! تصورمیکردم دوازه سال تعلیمات مضامین گوناگون مکتب برای یک شخص کافیتت تاهر وظیفهٔ را که میسر شود بدوش بگیرد و درهر رشته وهردقتر وماموریتی وظیفهٔ محوله را بوجه احسن انجام دهد. ولی پس ازچندروزی که امتحانات نهیی خاتمه یافت وسند بکولریا رابدست آوردم، یکباره ملنفت شدم که درساحهٔ عمل واجرات مسلکی واداری نارسائی های زیادداشتنه ومکلف به ادامهٔ تحصیلات وآموزش بیشتر علوم ودانش مسلکی و تخصصی میباشد، وبرای اجرای هر کار وهرماموریتی باید تجارب عملی نیز اندوخته باشم !

بهرحال، روز توزیع شهادتنامه های بکولریا که درلیسهٔ عالی استقلال پخاطر هماهنگی باپرو گرامهای مکاتب فرانسه، معادل بکولریای فرانسه شناخته شده بود، خیلی پر کیف وهیجانی بود. اعضای مدیرهٔ مکتب، معلمین ویکتعداد مدعوین ونمایندگان عالیرتبهٔ وزارت معارف درصحن حویلی آراسته ومزین با گلبنه هاودرختان بلند وپرسایهٔ آکاسی، گرد هم جمع شده بودند. در یکی ازبرنده های وسیع و آفتابی عمارت مکتب میزبرگی باروپوش رنگین ویک گلدان گل جلب نظر میکرد که روی آن نتایج نهایی امتحانات ودپلومهای فراغت تحصیل وانعامات گوناگون راقرار داده بودند. چشمهای کنجکاو ما بانیازمندی هاوانتظاری قرار متوجهٔ این میزبود ودلهای ماباوسوسه و هیجان در درون سینه تپش پراضطراب داشت. کسانیکه درمورد کامیابی خود متردد ومشکوک و حتی ناامید بودند، توان ایستادشدن را باآرامی نداشتند ومانند دهقان نیازمندو مایوسی که برای کشتزار تشنه ونیمه سوختهٔ خود از آسمان صاف ویی ابر طلب باران کند، برای کامیابی احتمالی ودور ازامکان خود منتظر خارقهٔ بودند که مدیر سختگیر مکتب(موسیو مومل) نتایج ماهانه واخیر سال امتحانات را نادیده بگیرد وبرایشان سند فراغت تحصیل بدهد... البته چنین چیزی اتفاق نیافتاد وهر کس برابره سعی وکوششی که درطول سال نموده بود،نتیجهٔ بدست آورد واین شعر کتاب سالهای اول فارسی صدق میکرد که :

نابرده رنج، گنج میسر نمی شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

درهرصورت، ساعتی نگذشت که مدیرفرانسوی بامعاونین افغانی خود در برابرمیز بزرگ ظاهر گردید ونخست باصدای بلند وحرکت خاص کلاه شاپوی خودبه زبان فرانسوی از روز آفتابی مساعدوها و حضورمدعوین اظهارتشکر و امتنان کرده بافرزآنگی وشویهٔ خاصی یباینهٔ دلپذیری داد که اینک فشردهٔ ترجمهٔ فارسی آن را ارائه می دهم :

نصیراحمد رازی

داستان های همسو با تصوف (۹)

در کتاب تاریخ ادبیات درایران چنین آمده: (تصوف یک حرکت عقلی آمیخته با دین وارشاد بطرف کمالات نفسانی بوده وحکومت وحشیان ترک و تاتار ومغول نمی توانست وسیلهٔ برای ترویج وتوسعهٔ عمقی آن باشد، وتنها ممکن است یأس وفقر ونومیدی ونابسامانی و دربدری، عدهٔ ازمردم رابه خانقاه ها کشانده وسریرا شیوخ وپیشوایان تصوف کرده است. عواید خانقاهازمحل نذرهای اشراف وهدایای اطراف ونظائر اینهافرامه می آمد، ومیان همهٔ اهل خانقاه قسمت می شد).

در لغتنامهٔ دهخدا دربارهٔ توسعهٔ خانقاها چنین آمده است: (از خصوصیات تصوف قرن هفتم، نفوذ و کثرت واهمیت خانقاها است که قرنها یگذشته برای اجتماع صوفیه باسادگی شروع شده بود، ودر این قرن به اوج اهمیت رسید. تعلیم وترتیب خانقاه راطور اجمال می توان به دوطبقه تقسیم کرد: یکی تعلیمات شفاهی که عبارت بوداز پندها ودستورهای شیخ مرشد به طاللان می داده، ودیگری تعلیمات عملی که عبارت بوده است ازرباضتهای مختلف ازقبیل روزه ونماز و ذکر چله نشینی وگدایی، قلندران هم تعلیم داده میشدند).

لازم به تذکر است که ظهور وادامهٔ حیات تصوف درخراسان زمین مولود نیاززمان بوده واگرقرقهٔ قرنها درسرزمینی پهناور به هستی خود ادامه داده وجنبهٔ حکومتی هم نداشته که از آن حمایت شود، مبین این معنی است که بقای آن نتیجهٔ تمایل وعلاقهٔ مردم وطالبان کمال روحانی وفضایل انسانی بوده است، که آنراپناهگاهی برای دل های دردمند خودیافته وتعلیماتش رابرای تربیت نفس، تعالی روح و آرامش درون سودمند ومؤثر تشخیص داده بوده است. بزرگان و پیدار دلان صوفیه همواره به راه حق رفته اند، وسخان والایی که از پیروان این طایفه برجای مانده، مدلل میدارد که تصوف اسلامی خراسانی پیوسته طریقی حق پیموده ومتوجهٔ مبانی دین بوده است .

در کتاب اسرارالتوحید ازشیخ ابوسعیدای الخیر آمده که: ازشیخ سؤال کردند که از خلق به حق چندراه است؟ گفت: به عددهرذرهٔ از موجودات راهی است به حق. درهردلی که ازحق سری نیست وباحق رازش نیست، از آن است که در آن دل اخلاص نیست، وهر که را اخلاص نیست به هیچ روی خلاصی نیست. ظهوراینهمه جلوه وجمال درادیات فارسی ازبرکت تعلیم اسلامی و اندیشه های والای متصوفه است و اگر میراث پرشکوه تصوف و عرفان نبود، محتوای آثار ادبی ما یوزه آثار منظوم، حکم سنگ و کلوخ راداشت. اشعارمولوی، حافظ، سعدی، عنصری، امیرمعزی، انوری، خاقانی وهمانندان اینان دراستحکام وجزالت قابل ستایش است . داستاں:

عقیل در زمان خلافت برادرش امیرالمومنین علی(علیه السلام)بعنوان مهمان به خانهٔ آن حضرت در کوفه وارد شد. علی به فرزندمهرت خود، حسن بن علی اشاره کرد که جامهٔ به عمومیت هدیه کن. امام حسن یک (دنباله در صفحهٔ پنجم)

*****[تشکر ازآفتاب خوب ومرحمت خداوندبزرگ وهوای خوب و گواری روز ! سلام برشاگردان عزیز که اینک شهادتنامه های خود را، نتایج زحمات خودرا بدست می آورند وازدبستان وآستان مکتب رهسپار کانون اجتماع واتجام خدمت برای وطن خودمیشوند. تبریک به کسانیکه باسعی وزحمات طول سال خود کامیاب شدندواینک دپلوم بکولریا بعضی انعاماتی رابیز دریافت میکنند. به آنهاییکه امسال موفق و کامیاب نشده اند، حوصله افزایی وایستادگی وتصمیم به کوشش بیشتر وارادهٔ قوی درس خواندن میخوام. زندگی چه در طول دورهٔ مکتب وجه درخارج آن صحنهٔ مجادله وتکاپوست که از تجارب ورویدادهای تلخ وشیرین آن باید پند بگیریم وتلاش پر ثمر کنیم ومایوس وبیچاره نشویم. بخاطر بسیارید که هیچ دری نیست که کوشش مؤثروییگیر وباوسویهٔ علم ودانش باز نشود، بیادداشته باشید نتیجهٔ کامیابی وناکامی تان دردروس مکتب وامتحان نهایی زیادتز متوجه خودتان بوده است، ولی وقتی داخل اجتماع وفعالیتهای مسلکی واداری شوید، امتحانات سخت تری پیشروخواهدداشت، که نتیجهٔ کامیابی وناکامی آن متوجه اجتماعی خواهدبود که شمادر پیشرد امور وکار های وطن تان بپیت یک پرژهٔ خاص حساس یک ماشین بزرگ، داخل اجرات ووظایف محوله میشوید...]

درین وقت بطرف جمعیت معلمین واستادان مکتب که دوطرف او صف کشیده بودند، اشاره کرد وگفت: دروس وارشادات ورهنمائی های اینها، معلمین عزیزتانرا فراموش نکنید وقدر واحترام آنهاارد دل وجان نگهدارید که چون پدران معنوی به شماعلم و هنرواخلاق واساسات زندگی رادرهمه اببعاد تدریس کردند وآنچه در توان داشتند به شما نیز یاد دادند.

پس ازین بیانات مدیرمکتب که به زبان فرانسوی ایرادشد، معاونین مکتب جناب عبدالمجیدخان تنومند وجناب عبدالواحدخان مستندی نیزبیانات ارزشندی به زبان دری ایراد کردند، وتوزیع شهادتنامه هاو انعامات آغازگردید. وضع پراضطراب وهیجانی متعلمین درین لحظهٔ سرنوشت ساز خیلی تماشایی بود: امید ونوامیدی، قرار وبیقرازی، مانند آسمانی که گاهی باغرض رعدو قمچین صاعقه هابرزمین توفان ژاله وباران میفرستد وگاهی آفتاب گرم و درخشان را ازخلال ابرهای پراکنده وگریزان، جسته جسته، حیات بخش و فروزان جلوه میدهد، روح وروان وشعائر همهٔ مارا دربر گرفته بود. ناھای فارغ التحصیلان یکی پی دیگر خوانده میشد ودپلومای مفشن بکولریدا که باخط طلایی نوشته شده بود، ومعادل دپلوم بکولریای مکاتب عالی فرانسه بود، با بعضی جوایزمربو طهٔ مضامین حایز نمرات عالی توزیع میشد.

دیری نگذشت که اسم خودم اعلام شد، درین لحظه قلم بدشت می تپید و لبهام خشکی کرده، خیال میکردم تار وبود وجودم درمضیقهٔ خاصی فشرده میشو... درهمین حالت شنیدم که به درجهٔ چهارم نمبر صنف خود کامیاب و مستحق دپلوم شده ام. من که تاآنوقت تنها آرزوی کامیابی خودرادرسر می پرورانیدم، باشنیدن چهارم نمره گی دفعتاً آرزو وطمع یک درجه بلندتر، یعنی سوم نمره درمیخه ام تبارز کرد، زیرادرآن سالهافارغ التحصیلان مکاتب عالی انزمبراول تاسوم مستحق بورس تحصیلی خارج میشدند، ومن تازه ملنفت شدم که ازین چانس طلایی محروم شدم. درآن ایام عزیمت به کشورهای غربی جهت تحصیلات عالی برای هرشاگرد جزء آروزهای آتشین وایده آل بودو تعریفات مبالغوی که درمورد آن می شنیدیم طوری حواس مارا بخودجلب نموده بود که فراموش میکردیم قناعت وسیعی و کوشش دررشتهٔ مربوطه ودر وطن خودما نیزمیتواند انسان رابه مدارج عالی پیشرفت وموفقیت نایل سازد، و امکان رفتن به خارج رادرآینده میسر سازد .

بهرحال، مدت چندهفتهٔ اول بخاطر از دست دادن چانس خارج رفتن افسرده وغمگین بودم، وخوشبخت کسانی رامیشردم که مستحق یوس تحصیلی در خارج شده بودند. ولی همینکه یکسال بعدپس از تکمیل صنف مقدماتی(بی سی یی) نظربه نمراتم مستحق شمول در فاکولتهٔ طب کابل شدم، اندیشه های مکبر به امیدهای روشن تبدیل شدوتمام فکرومساعی مرا متوجه دروس و تکمیل دورهٔ شش سالهٔ فاکولتهٔ طب کردم، که اکثر استادان آن متخصصین فرانسوی بودند ومن بعضاً نظربه دانش کافی به زبان فرانسوی، دروس آنهارامستقیماً به محصلان به فارسی دری ترجمه میکردم ./(دنباله دارد)

انجنیر عبدالصبور فروزان

سخنی چند از اندیشه های مسعود (رح) (بخش هشتم)

قتل شهیداحمدشاه مسعود رحمه الله علیه یک فاجعهٔ دردناک برای تمامیت ارضی و استقلال سیاسی افغانستان، و یک اشتباه بزرگ جهانی بود که سبب نارامی در کشورهای منطقه شده است. درین قتل نه تنها بیست و یک سازمان جاسوسی بلکه کشورهای بطور مستقیم و غیر مستقیم ذیدخل بودند، و تصویری شد که اگر این فرزند مردم افغانستان که مخالف سرسخت حضورقوا و پایگاههای نظامی بیگانه در خاک افغانستان بود، ازین برده شود، دروازه هابرای حصول اهداف جیو پولیتیک در منطقه باز میگردد. ولی چنین نشد و کشورهای ذیدخل به ناکامی شان اعتراف کردندو مجبور شدند تا عساکر شانرا از افغانستان بیرون نمایند. متأسفانه مداخلهٔ کشورها در امور داخلی افغانستان، گماشتن افرادواشخاص مورد اعتمادو حتی پرورش یافتهٔ خودشان در رأس امور کشوری ولشکر کسی شان بداخل افغانستان، مسایل این کشور رابه اندازهٔ مشکل ویرنج ساخته است، که برای حل وفصل آن باید سالهاانتظاری ثمر کشید. به هر اندازهٔ که مداخلات خارجی در امور افغانستان افزایش یابد، همان اندازه قضیه مغلق تر، پیچیده تر و لاینحل تر میشود. برای مردم افغانستان دردناک است که طی چهارده سال حضور قوای ناتو توانمندی دفاعی کشوررا ازدست داده اند، اولین کشوری درجهان است که فاقدقوای مدافعهٔ هوایی است، تمامیت ارضی آن ازدست رفته، استقلال سیاسی آن لطمه دیده، اقتصادآن ورشکسته وکشور دربرابر تهاجمات خارجی آسیب پذیر تر شده است.

مقایسهٔ اوضاع افغانستان در گذشته و حال نشان میدهد که اگر امریکا مداخلهٔ نظامی نمیکرد، اگر مسعودشدید نمی شد، زمینهٔ ازین رفتن خودبخودی طالبان در سطح ملی و بین المللی مهیا شده بود، چون مردم درسراسرجهان برعلیه این گروه دهشت افکن ویی فرهنگ و بی عاطفه بودند، سازمانهای حقوق بشر از شرارت واستبداد آنها شکوه میکردند، روزنامه هاوصفحات تلویزیونی از جور و ستم و دد منشی وجهالت ایشان حکایه میکردند، و مردم افغانستان به اندازهٔ ازین گروه مزدور دون صفت متفربو بودند که حاضربه قربانی برای آزادی ازظلم واستبداد این گروه بودند.

بخاطر دارم محترمه صدیقه صدیق استاد پولیتخیک کابل راکه با حجاب اسلامی برای تدریس آمد، طالبان او راخطاردادندتاآنطور لباسی که آنهامی خواستند داشته باشد، ولی استاد صدیق گفت من حجایی رامی پوشم که اسلام گفته است. چون مقاومت کرد چهار طالب کتیف دون همت به این خانم حمله کردند ویاکمرند، گوردم وقنداق تفنگ چنان در پشت وپهلوی استادصدیقه میزدند که درخاک می تپید وخون ازسر ورویش جاری بود. استادصدیقه به شکلی از جنگال این وحشی های مزدورصفت نجات داد وبه دکان قصابی که در آنجا بود، خود رساند، کارد رازدست قصاب گرفت وبسوی طالبان حمله کرد. وقتی آن طالبان دون همت کار را بدست استادصدیقه صدیق دیدند که آمادهٔ حمله است، مانند سگ روبه فرار گذاشتند. استاد درحالیکه خون ازسرو رویش جاری بود به عقب آنها میدوید تا اینکه مردم او را مانع شدند وکارد را ازدستش گرفتند.

ازجانب دیگر شهیداحمدشاه مسعود (رح) به پیروزی اش دربرابر طالبان سخت مطمئن بود، و پاکستانیا از او هراس شدید داشتندو با وجود اینکه بیش از پنج هزارعسکر مسلح خود را درقندز، که به خواجه بهاءالیدین، مرکز فعالیتهای سیاسی ونظامی مسعود بزرگ فاصلهٔ چندان ندارد جایجا ساخته بودند، اما هیچ کاری کرده نمی توانستند وهمواره تحت ضربات قوای مسعودقرار میگرفتند از طرح های جنگی او درهراس بودند. در یکی ازروزهای زمان مقاومت، طالبان به همکاری نظامیان پاکستان موفق شدند تادراب اندراب را اشغال نمایندو مردم آنرا مجبور ساختند تا تسلیم شوند، این پلان را نظامیان آی اس آی طرح کرده بودندو آنرا کلیدی برای حمله به پنجشیر که آزروی نهانی پاکستان بود، میدانستندوبه اشغال اندراب خیلی ها خوشحال بودند. مجاهدین سخت به تشویش افتاده بودند که انجام کار چه خواهدشد، مگر احمدشاه مسعود باروحیهٔ قوی دلیرانه بکار خود ادامه میدادوبه مجاهدین میگفت قابل تشویش نیست، بگنارید پیشروی کنند. یکی از مجاهدین حاضر در آنجاییکو ید: ما حیران بودیم که دشمن به دهن دروازه رسید و ما صاحب هیچ ری نمیزن، گو با که هیچ کپی نشده ، چندروز گذشت وتشویش ماز یاد تر میشد، ولی آمر صاحب سر حال ونشاش بودو هیچ اثر تشویش ونگرانی دراو دیده نمی شد. آمر صاحب دوروز از نظرها دورشدو روز سوم فهمیم خان را خواسته به او هدایت داد وپنجاه مجاهدی را که خودش انتخاب کرده بود به او تسلیم دادوامر که از طرف شب در بالای تپهٔ در اندراب دیسانت شوند. این تپه درجایی بود که چهار طرف آن قوای طالبان و پاکستانیا جایجاشده بودند، ما با یکدیگر خود بطور مزاح میگفتیم آمر صاحب فهمیم خان رابه خود کشی روان میکند، چون این تپه در قلب دشمن قرار داشت. شب شد، پلان عملی شد، مجاهدین تحت قوماندۀ فهمیم خان از چهار طرف تپه بالای طالبان حمله کردند و مجاهدین دیگر از مناطق دیگر بر طالبان حمله کردند. درین حمله به اندازهٔ طالب کشته شد که مرده هایشان بهر طرف افتاده بودو طالبانی که زنده بودند در تاریکی شب فرار نمودند وتادم صبح اندراب آزاد شدو طالبان دیگر هرگز جرئت حمله بر آنرا نکردند. خویی این عملیات در آن بود که از طرف شب طرح شده بود، همهٔ مردم در خانه هایشان بودندوبه افراد ملکی هیچ ضرری نرسیدو مقدار زیاد اسلحه و مهمات اشغالگران بدست مجاهدین افتاد.

سال ۲۰۰۱ سال نامیمونی برای افغانستان بود که در آن بزرگترین و گرامی ترین فرزند خود یعنی شهیداحمدشاه مسعود(رح) رازدست داد. باشهادت این فرزند مبارز وقهرمان کشور، افغانستان آزادی خود رازدست داد وچون اتمعهٔ بدست بیگانگان افتید. طالبان که دشمنان سوگند خوردهٔ مردم ما میند در کمتر از دو هفته سقوط کردند وبه پناهگاههای شان در پاکستان فرار کردند. قوای طالبان که اکنون حمایهٔ نظامیان پاکستان رانداشتند، توسط قوهای احمدشاه مسعودبه فرماندهی جنرال بسم الله خان شکست خورد ونظامیان امریکا که از روبرو شدن فز یکی در اراضی با طالبان میترسیدند، از قدرت هوایی خود در شکست آنها همکاری نمودند .

امر یکاصمم بود طالبان سقوط نمایندوبه پاکستان هو شدار داد که از آنها حما به نکند. پاکستان در برابر امتیازاتی از حمایهٔ طالبان خودداری کرد وبگذاشت تا طالبان را قوای بسم الله خان محمدی از زمین وقوای هوایی امریکا از هوا سر کوب کنند. جنرال Michael G. Vickerمعاون اسبق وزارت دفاع امریکامی گویددر سال ۲۰۰۱ طی دو ماه به اندازهٔ بر افغانستان بمباران هوایی کردیم که طی ۱۶ سال پرویتنام نکرده بودیم. بدین ترتیب این گذشته نشان میدهد که امریکا اگر تصمیم بگیرد که طالبان ازین بروند و اگر پاکستان از حمایهٔ طالبان خودداری کند، طالبان بتعودی خود ازین رفته وشعله های جنگ در افغانستان خاموش می شود. چنانچه پس از سقوط طالبان تا سال۲۰۰۵ جرئت نداشتند بسوی افغانستان بنگرند .

این یک حقیقت انکارناپذیر است که لشکر کشی ایالات متحده بر افغانستان بخاطر جنگ با طالبان بودو مردم افغانستان بخاطر این هدف با امریکا همکاری وبه پیمانش اعتماد کرد و امریکا توانست با استفاده از این اعتماد وهمکاری قای خود را در افغانستان پیاده سازد. ولی در سالهای اخیر امریکا بطرز دیدش را در برابر طالبها تغییر داده، نه تنها علیه آنها نمی جنگد بلکه برایشان به نظر نیک دیده، ایشان را برای

را برای منافع خود وهم پیمانش مضر ندانسته وبه آنان به چشم دوست می بیند. از ملاقاتهای روبرواری دپلوما تهایی بلند پایهٔ امریکا با طالبان در کنج و کنار جهان، بخصوص قطر واز معاونت در تأسیس نمائندگی سیاسی طالبان در قطر واعاشه وابانهٔ خانواده های مقامات بلندطالیی (بیش از دوصد فامیل طالبی) در امارات متحدهٔ عربی، کسی نیست که خبر نباشد.

ایالات متحده برای پاکستان که عامل اساسی جنگ وخونریزی از طریق طالبان در افغانستان است، هم کمک پولی برای تقویت قدرت نظامی آن کشور می نمایدو هم در انکشاف اقتصادی واجتماعی آن سهم سخاوتمندانه میگیرد، در حالیکه پاکستان به امر بکاهوشدار داده که نمی گذاردحتی یک عسکر امریکا هم پای خود را در خاکش بگذارد ولی در مورد افغانستان که هم پیمان نظامی اش است و پایگاههای نظامی خود را در آنجا دارد، طرز دیدش را تغییر داده وعلاقهٔ برای انکشاف آن وبهبودزندگی مردم آن نداشته، فعالیت خود را محدودبه ازین بردن القاعده ساخته که در افغانستان هرگز وجود ندارد، اما در پاکستان به هزارها عضو آن زندگی می نمایند.

رابرت گیتس وزیر اسبق دفاع امریکا در سخنرانی درسرای امریکا گفت: ما نباید درین آرزو باشیم که افغانستان رایک جای زیبا ومرفه در آسیای مرکزی بسازیم، بلکه فعالیتهای خود را باید تنها در ازین بردن القاعده وجلو گیری از تبدیل شدن افغانستان به لانهٔ ترور و بستهابن سازیم. در واقع آقای گیتس میگوید که مبارابه پیشرفت وانکشاف اقتصادی واجتماعی افغانستان چه غرض است؟ کار ما اینست که تروریستهارا در افغانستان ازین ببریم. در حالیکه همه بشمول آقای گیتس می داند که تروریستان در افغانستان نه بلکه در پاکستان لانه داشته وخود دولت پاکستان حمایه گر و تمویلگر گروههای تروریستی چون طالبان، گروه حقانی و دهها گروه دشت افگن دیگر میباشد. تونی بلیر صدراعظم سابق انگلستان در پارلمان آن کشور گفت: ما به افغانستان بخاطر این نمی رویم که آنرا سوس آسیا بسازیم، بلکه برای ازین بردن تروریستهامیرویم تا برای ماخطری تولید نکنند. این گفتار گیتس و بلیر چون مشت نمونهٔ خروار نمایانگر نیات کشورهای ذیدخل در افغانستان است که مصداق خوبی برای درک دقیق احمدشاه مسعود از هدف لشکر کشی بیگانگان در افغانستان میباشد که منفعتی برای کشور بار نیاورده و مشکل مردم ما را بیشتر ساخته است.

سؤال در پنجاست زمانیکه طالبان در ۲۰۰۱ شکست خوردند، قدرت را در افغانستان داده وبانجنگجویان و سران القاعده و دیگر گروههای تروریستی که متحدین طالبان بودند به پاکستان فرار کردند، چرا امریکا بر پاکستان فشار نیاورد تا از دخول جنگجویانشکست خوردهٔ طالبی والقاعده وداخل شدن رهبران آنان به خاک پاکستان جلو گیری نماید، یا ایشان را دستگیر وبه امریکا تسلیم دهند؟ رابرت گیتس می گوید: (وقتی طالبان والقاعده در افغانستان سقوط کردندهمه آنها به پاکستان پناه بردند وحکومت پاکستان طالبان را دوباره بسیج ساخت وبرای شان اجازه داد تا قارر گاههای نظامی خود را در کوئته وپشاور تأسیس نمایندوبه تمرینات نظامی خود بپردازند، که طی چهار سال به قوهٔ جنگی تازهٔ تبدیل شدند.) این اظهارات آقای گیتس در واقع بدین معناست که پاکستان که متحد امریکاست، طالبان را دوباره بسیج ومسلح ساخت وبه جنگ علیه امریکایبهادر افغانستان فرستاد تا بیش از سه هزارعسکر امریکا را بقتل رسانند.

پرویز مشرف که طالبان در تحت حمایه وپرورش او دوباره به یک قوای جنگی احیاء شدند، در سال۲۰۰۵ زمانیکه طالبان به اندازهٔ کافی تجهیز شده و آمادهٔ جنگ شده بودند، قراردادی را بمردم قبایل امضا نمود که به اساس آن قوای نظامی پاکستان راز آن مناطق خارج نمود که برای طالبان دست باز داده وبخاطر آرام به تمرینات نظامی خود در آن مناطق پرداختند. رابرت گیتس می گوید: (این عمل پاکستان مناطق مذکور را به ساحات امن برای فعالیتهای جنگی طالبان تبدیل کرد.) بدین صورت پرویز مشرف که دشمنی افغانستان را در سینه داشت چون روباه مزور از یکسو بمقامات امریکا در قصر سفید بر یک سفره نشسته ازدوستی واتحاد با امریکا میلافید، واز جانب دیگر طالبان را آمادهٔ جنگ ساخته به افغانستان میفرستاد تا عساکر امریکا را قتل عام نمایند. اما امریکا پاکستان را کشوری میدانده که گو یا برای امریکا می جنگدو باست با آن همکاری نماید، در حالیکه پاکستان باحمایه و تجهیز نظامی طالبان شعله های جنگ را در افغانستان افروخته است و رهبر القاعده را که امریکا در جستجوی او هزاران سرباز و صدها جاسوس خود را ازدست داد، در چند کیلومتری قصر ریاست جمهوری در اسلام آباد که محل نظامی است، برای سالهاحفاظه و ابانه نموده بود.

همین منوال آراء عمومی مجمع آوری شده توسط موسسهٔ S. D. P. I.نشان میدهد که اکثریت مطلق مردم پاکستان امریکا را متحذیر قابل اعتماد خود دانسته وضدیت شدیدی در برابر امریکا دارند. عمران خان یکی از مخالفان سیاسی در پاکستان که محبوبیت بیشتر در قبایل سرحد دارد میگوید: (امریکا بدترین دشمن خود در پاکستان میباشد ومن فهمیده نمی توانم که بشریت این را چه مینامد که کسی هزاران مایل دور تر نشسته ومردم را اعم از زن و مرد واطفال می کشد؟) این گفتهٔ عمران خان درجهٔ انزجار مردم پاکستان را در برابر امریکا نشان میدهد. لذا هر نوع تلاش امریکا برای تبدیل کردن پاکستان به متحذ نظامی و سیاسی بی نتیجه بوده، مشتی در تاریکی زدن است. پاکستان بنابر اهداف مشخصی که بر علیه افغانستان وهندوستان دارد ونبروی ذروی وقو تهای طالبی و گروههای دهشت افگن شبه طالبی را برای خود حیاتی دانسته وهرگز ازین دونمی گذرد. چنانکه جنرال حمید گل رئیس قبلی آی اس آی گفته بود: (پاکستان از هرچی میگذرد ولی از دوجیز یکی قوای اتومی ودوم طالبان گذشته نمی تواند)!

این حقایق نشان میدهند که پاکستان هرگز به یک متحد صادق امریکا مبدل نمی شود، وآچه که عملی مینماید ظاهری، مزورانه ودور از حقیقت بوده، وسیلهٔ قریب دادن مقامات امریکا برای حصول کمک های پولی ونظامی از آن کشور میباشد. در واقعیت این دو کشور در دو قسب مخالف قرار دارند وبه آنها القاب مخالف سیاسی ونظامی نسبت به متحد سیاسی ونظامی بیشتر صدق میکند.

به ترتیبی که امریکامی خواهد تا گروههای دهشت افگنی و تروریستی در پاکستان ازین برده شوند، ونبروی ذروی پاکستان محدود ساخته شود، در حالیکه پاکستان گروههای دهشت افگن و تروریستی را برای جنگ بر علیه افغانستان و هندوستان پرورش داده وتقویه مینماید، و درصدد افزایش هر چه بیشتر نیروی ذروی و اتومی اش می باشد . / (دنباله دارد)

داستان های همسو باتصوف
(دنباله از صفحهٔ چهارم)

ردا از مال شخصی خود به عمویش تعارف و اهدا کرد. شب فرا رسید و هوا گرم بود. علی وعقیل روی بام دارالاماره نشسته، مشغول گفتگو بودند. موقع صرف شام رسید، عقیل که خود را همهان دربار خلافت میدید، طبعاً انتظار سفرهٔ رنگینی داشت، ولی بر خلاف انتظاری، سفرهٔ بسیار ساده وقفیرانهٔ آورده شد. با کمال تعجب پرسید: (غذا هر چه هست همین است؟) علی: (مگر این نعمت خدا نیست؟ من که خدا را بر این نعمت بسیار شکر میکنم و سپاس میکنم.) عقیل (پس باید حاجت خویش را زودتر بگویم و مرخص شوم. من مقرضم و زیر بار قرض مانده ام، دستور فرما هر چه زودتر قرض مرا ادا کنند وهر مقدار میخواهی به بردارت کمک بکن تا زحمت را کم کرده به خانهٔ خویش برگردم.) - (چقدر مقروضی؟ - صد هزار درهم. او، صد هزار درهم ! (دنباله در ستون ۲ صفحهٔ سوم)

دا کتر غلام محمد دستگیر

ملاقات ما با داکتر حمدالله محب

سفیر گماشته شده افغانستان در واشنگتن دی سی

به روز سه شنبه ۱۹ جنوری ۲۰۱۶ مطابق ۲۹ جدی ۱۳۹۴ که مصادف به ۹ ربیع الثانی ۱۴۳۷ بود، بساعت ۲:۱۵ بعد از ظهر ای ۱۰:۳۵ عصر در تالار آبرومندمقر سفارت افغانستان در واشنگتن دی سی، طی ملاقات ارزشمندی با محترم داکتر حمدالله محب سفیر افغانستان مشرف شدیم .



از چپ: داکتر گردیزی، داکتر محب، داکتر دستگیر و داکتر شنواری

این ملاقات به اساس پیشنهادسفارت جهت آشنائی جلالنآب سفیر با انجمن داکتران افغانی در امریکا که بنام امپا یا انجمن پروفیشنلهای (مسلمکیان) طبی افغان در امریکا نیز شهرت دارد، صورت گرفت. درین ملاقات از طرف انجمن داکتر سیدعلم شنواری اسپیسانت پروفیسر صحت عامهٔ دیپارتمنت صحت جهانی (گلوبل هلت) در یونیورسیتی SUSاورئیس منتخب امپا، محترمه داکتر حمیرا گردیزی عضو رهبری و انبجانب مؤسس وسابق رئیس انجمن عضو هیئئت رهبری کنونی، حصه گرفته بود. محترم قایق واحدی یکی از سکرترهای اول ومتصدی امور رسانه هاومطبوعات سفارت، جلالنآب سفیر را همراهی میکرد. لباس من درین ملاقات سیاه ونکائی خاکستری بود تا سوگواری مرا از حالت رقت بار وطن وانمود سازد .

ملاقات درفضای یک صمیمیت بالخاصه با بیانات جلالنآب داکتر محب که باصرف جای سبزدریاله های خیلی زیبا وقلل بادامی صرف میگرددید، شروع شد. داکتر محب، در قسمت هماهنگی وهمکاری انجمنها واتحادیه های مختلف افغانی بیاناتی داشته اظهارداشتند که: سفارت جهت برآوردن آرزوها وپلاهای این مجمهه ها که برای مردم افغانستان مفیدتمام شود، آمادهٔ هر نوع همکاری میباشد. در قسمت نشر کتب ووقت وامدهای بی هدف بعضی از اولیای امور دولت جمهوری افغانستان که خیلی ها گران تمام میشود، نظریات بپیخواهانهٔ خود را ابراز داشتند. دردوام گفتار خود جلالنآب سفیر افغانستان هدف اصلی این ملاقات را توضیح نموده گفتند: سفارت درقسمت پروژه های مختلف مسلکی که از طرف گروههای مختلف در ساحت طبابت برای افغانستان پیشنهاد میگردد، لزوم مشورهٔ مسلکی شمارا احساس میکند. بناء از انجمن شماخواش میشودتا یک نمایندهٔ مسلکی خود را جهت اشتراک در چنین جلساتیکه بشما اطلاع داده خواهد شد، معرفی نماید. بالتبجیه، قضاوت، نظریات علمی وتجربوی نمایندهٔ مسلکی شما ما را در پذیرش یارد پلاهای پیشنهادشده کمک خواهد کرد.

به تعقیب اظهارات جلالنآب سفیر افغانستان، دا کتر دستگیر ازینکه جلالنآب سفیر رئیس ونمایندهٔ از اعضای رهبری امپا را پذیرفتند و موقع دادند تاچند لحظهٔ را با ایشان بگذاریم، اظهار سیاس و امتنان نموده خورسندی خود را ازینکه جوانان ما به لیدر شب چنین مقامات عالی وحساس نایل میگرددند، اظهار داشته موقفیت مزیدشانرا از دربار الهی (ج) تمنانمود. بعد، معلومات مختصر دربارهٔ اینکه مفکورهٔ انجمن داکتران افغانی در ۱۲۷پریل ۱۹۸۹ خلق شد؛ یکسال بعدا کتر خوشحال ستانکزی که عضوما بود جدانشده در ساحةٔ لومه لیندا انجمن طبی افغان رادر امریکا AMAIAتأسیس نمود. متعاقب موافقهٔ ۳۶ نفر داکتران آن زمان، کار رسمی ساختن انجمن شروع گردیدو برای سیزده سال ریاست آنرا با کمکهای مادی و معنوی دوستان بلوش داشت. گفته شد هنگام ریاست محترمه دا کتر حمیرا بهسودی اسم انجمن داکتران افغان در امریکا APAIAبا موافقهٔ موسس به انجمن پروفیشنلهای طبی افغان در امریکا AMPAAتبدیل شد. از جملهٔ روسای سابق ومتنخب امپا فعالیتهای دا کتر حمیرا بهسودی ودا کتر محمدهارون عظیم درخور تمجید خوانده شد. به دوام گفتار خود دا کتر دستگیر نمونهٔ از فعالیت های اپایا/ امپارا باجلد اول ازده جلد ترجمهٔ فصلهای دفیقه کریستوفر جراحی زیر عنوان (انکشاف ونموی جراحی) بود حضور جلالنآب تقدیم نموده توضیح نمود که درسال ۲۰۰۲ هر ده جلد آن در محضر رئیس فاکولتهٔ طب پوهاند افضل به شف جراحی شفاحانهٔ تدریسی کابل تقدیم گردید که بچیت یک منبع رفرنس آنرا با تشرکات پذیرفتند؛ منتها بعد از یکسال همهٔ آنها از کتابخانه ناپدید شد؛ کاپی نشریهٔ ابن سینا که فعالیت ده سال اول را دربرداشت بانمونهٔ از جنتری هایکه در دوران جهاد از طرف انجمن به دست نویس و دبیز این داکتر دستگیر وپروفیسر نثار احمد درمانی تهیه میشد باچند کاپی از کارتهای عیدها و نوروز زمان جهاد - تقدیم جلالنآب شان گردیده خاطر نشان ساخت که هدف این پرنیتیشن آن بود که برایشان نمایان شود که ما همیشه بیاد وطن و وطنداران خود بوده ایم؛ تاسف در اینجاست که ما را دو پاسپورته تا به زده اند و موقع خدمت برایما مناسب نداشتند. دو پاسپورته های حقیقی آنها نیست که هنگام آرامی نسبی وطن ترک تابعیت کرده نه آنهاثیکه مهاجر شده اند .

دا کتر دستگیر ازینکه کاپی مضمون (توجهات صحی آینده در افغانستان) را که در مجلهٔ (مرکز افغانستان شناسی) یونیورسیتی نبراسکا او ماها در جلد چهارم و صفحات ۴۳ – ۴۶ در سال ۱۹۹۳ بزبان انگلیسی(۳) نشر یافته بود، با خود بیاورد اما فراموش کرد معذرت طلبید؛ در اخیر گفتارش دا کتر دستگیر تحفهٔ یادگاری بیست و پنجمین سالگرد انجمن را که شامل (نو تپد و مار کرها) بود به دا کتر محب اهدا کرد. جلالنآب سفیر افغانستان از فعالیتهای فوق قدردانی نموده از تمرکز مسلکی انجمن در امور طبابت وارتباطات با مردم اظهار مسرت نموده گفتند که من درین راه قدمهایی برداشته ام ومیدانم که تهیهٔ این نوع کتابها، (اشاره بجلداول کتاب جراحی) که بعوض صرف وقت برای ساعت تیریهاب، پارتیهاب، رفتن سینما ها و بیجهاب وغیره، با زحمات شبابروزی مهیا میشود خیلیها قابل قدر است؛ در حقیقت، همین نوع فعالیتهاست که به درد مردم افغانستان میخورد. بعدا دا کتر شنواری، رئیس منتخب امپا عنان سخن بکف گرفت وچنین ادامه داد: ازینکه دا کتر دستگیر بنیادین موسسه را گذاشت تاما جوانها بتوانیم برای مردم خود در ساحةٔ مسلک خود خدمت نمائیم سپاسگذاریم. بعداً، بعضی از فعالیتهای انجمن را در دورهٔ تصدی خود که شامل یادداشت همکاری بین امپا و اسوسیشن کالجهای امریکا وفا کولتهٔ طب قندهار در مرحلهٔ اول و باقی فاکولتهای طب جلال آباد، هرات، بلخ، و خوست و غیره در مرحلهٔ بعدی، هیئت فیر که افغانهاوغیر افغانها از معاینات و مشوره های متخصصین افغانی برخوردار می گردند.... معلومات خلص تقدیم کرد . (دنباله در صفحهٔ ششم)

احیاء راه ابریشم و سیاست چین در منطقه (دنباله ازصفحهٔ دوم)
باتأیین صلح در افغانستان، دولت چین از قیام مسلمانان افراطی Uighur وایغور در ایالت Xin Jiapingجلو گیری خواهد کرد. این دسته افراطیون دینی چینی، در جنگ های افغانستان جنگیده اند و اگر جلو گیری بعمل نیاید، خطری رادر آینده برای کشور چین به میان خواهند آورد.

آنچه درین کنفرانس چنین مهم میباشد، اینست که معضلهٔ سیاسی افغانستان با مشکلات کشورهای پاکستان وایران قابل مقایسه نمیباشد. درین کشوردیخت که ازسه صدسال به اینطرف در زیر یوغ حکومت های ظالم ویرحم خانوادگی و قبیلوی بسربرده اند، واز آزادی و مدنیت وعدالت اجتماعی چیزی نشنیده اند و از حقوق انسانی بیگانه می باشند، تطبیق پروژه های اقتصادی وتأمین صلح مشکلات عظیمی پیشرو دارد. این کشورامروز اسیر اکثریت نادان و کدراقلیت رهبریت دزد ورهن و واپارلمان فلج میباشد. کشورافغانستان امروز شدیداً با ناسیونالیسم قبیلوی وفاشیسم قومی دست به گریبان میباشدو تا گلو درلجن زار متعفن دین افراطی فرورفته و جز ریش، استخاره و استتجا(باعرض معذرت)، در دنیای تاریک وپرازهیولا، کمترین روشنی ازمدنیت وتمدن را آزمایش وتجربه نکرده اند.

من درحالیکه از اقدام چین درین راه اظهارقدردانی میکنم، ازآقای صلاح الدین ربانی خواهشمندم درمحادثات بعدی خود موضوعات آتی را به سمع سیاستمداران چین برساند :

۱- اخبارین المللی میرساند که در کنفرانس چین، بعضی ازسیاستمداران آن کشور به احتمال اغلب با تلقین نمایندگان پاکستان، اظهارداشته اند که پشتونها در افغانستان اکثریت بوده وچون طالبان پشتون اند، لذا در مذاکرات صلح باید نماینده داشته ودرحکومت کابل حصه داشته باشند. باکمال تأسف این ادعا از طرف یک کشور معظم کاملاً غلط بوده و استوار براسناد ومدارک علمی نمی باشد، به دلایل ذیل :

اول - اینکه امروزهیچ قومی درافغانستان اکثریت نمی باشد. من قبلاً چهارپا پنج احصائیة جهانی را درمورد نفوس شماری درافغانستان در جریدهٔ معتبر امید نشر کرده ام. نظربه احصائیة های نفوس پشتونادر افغانستان ۳۳-۳۸ درصد واقوام دیگر مثل ترکمن وهزاره و دیگران به مراتب دریک فیصدی پایینتر قرارداد.

دوم - اکثریت: تعریف definitionبا اکثریت آنست که دریک کشور چند قومی، قومی در اکثریت میباشد که شمارهٔ نفوس آن ازمجموع نفوس دیگر اقوام پنجافیصد بایشترباشد. به این اساس هیچ قومی در افغانستان اکثریت نمی باشد. نمیدانم چراحکومت افغانستان وبرادران پشتون ماین حقیقت ساده وروشن راقبول نمی فرمایند، اقلایک عدهٔ از آنها که تعلیمات علمی ولازم دیده اند!

سوم - اینکه مفکورهٔ دیگری که از طرف پاکستان درمغزسیاستمداران خارجی تلقین شده، اینست که میگویند تمام طالبها پشتونهای افغانستان اند، این ادعا دروغ است. بجز عدهٔ انگشت شمار طالبان قندهاری و خانوادهٔ ملامعر متباقی اکثر این گروه وحشی ویی سوروباز پشتونهای مزدور خارج ازمرزهای افغانستان، وابسته به قبایل آتطرف سحد و عدهٔ ازپاکستانی هانند که نظربه ضرورت به پول و نداشتن تعلیم و وظیفه یحیث اردوی اجیر کارمیکند. اسیرانی که از طرف قهرمان ملی احمدشاه مسعود دستگیرشده بودند، شاهد این مدعا میباشد .

وزیر خارجهٔ افغانستان باید درین موارد افکارسیاستمداران خارجی را روشن ساخته وبه آنهاقناعت دهد .

۲- در کنفرانس بین چین وافغانستان، باید بصراحت ذکر گردد که حکومت چین باید برپاکستان فشار لازم وارد کند تا ازفرستادن طالبان به افغانستان ممانعت کند.
۳- نمایندهٔ افغانستان باید بصراحت اعتراض کند که پاکستان بزرگترین مرکز تریهٔ تروریستهای جهانی میباشد. حملهٔ دهشت افگنان القاعده ازهمین کشور پلان حمله را بر مرکز تجارت جهانی امریکا تعبیه کردند واز کشور پاکستان بود که رهبران بزرگ افغانستان چون احمدشاه مسعودفقید واستاد ربانی را بدست کسانی به شهادت رساندند که بادر کمیهای تروریستی پاکستان تریه شده بودند ویا ای اس آی پاکستان در آن پلان دهشت انگیز همکاری کرده بود.
۴- اگرچین به یک افغانستان پرحلج وصفاف درهمسایگی خود آرزو دارد، باید بامردم افغانستان درراه مجادله با ناسیونالیسم قبیلوی ودین افراطی همکاری کند. بدون همکاری و کمک یک کشور بزرگ و توانا، این جراثیم به تدریج خون این ملت مظلوم راخوهند مکید.

۵ - ناممکن خواهد بود که امضای قرارداد اقتصادی چین باکشوری که رهبران آن غرق درفساد بوده و بیت المال رابه سرقت برده اند، نتیجهٔ مطلوب دهد. دولت چین میتواند درین راه اقدامات لازم نماید.

۶- بالاخره طوریکه بارها نوشته ام، کلیدموفقیت افغانستان بدست مردم خود آن کشوری باشد. بقول شاعر:

خدا آن ملتی را سروری داد
که تقدیرش بدست خویش بنوشت

درحالیکه اقدامات چین رابرای تأمین صلح درافغانستان عملی نکو و شایسته می دانم، رسیدن افغانستان و پیشرفت بسوی ترقی و تمدن توجهٔ جدی رابه نکات بالا ایجاب می کند . /

الحاج جلاله . سلام (دنباله ازصفحهٔ سوم)
..... و سوبه وفهم وادراک شما در تثبیت حقیقت کمتر از شفیع عباراست که تحت تأثیر بیابنه های منحرف وعوامفریبانه او... درنجا بازانگیزهٔ که با تأثیر میگویم ،مردود شما، یجوش آمده تهمت دیگر برمن بسته وهم برفهم وادراک من حمله برده اید. تثبیت حقیقت آنست که من فقط برای دفاع از خود در مقابل گفتار سادات که گفته بود : (نه تنها آقای عیار کافر هستید وشک دارید بلکه کسانیکه از شما طرفداری و حمایت میکند هم کافراندوشک دارند) چون من راپر اولین گرد همائی جلسهٔ آب محترم عیار رابا مشورهٔ دانشمند گرامی آقای محمدوقی کوشان و اجازهٔ خود عیار نوشتم تا وطنداران گرانقدر از گزارشات جلسه باخبر باشند، و آنهم بالادریک در هفته نامهٔ وزین امید شمااز ۹۹۴ به نشر رسید. بعد در جواب جملهٔ تکبیرهٔ فوق شاعلی سادات مضمون خطاب به آقای سادات... را در شماره ۱۰۰۱ نوشتم تا توجه سادات رابه اشتباهات شان که نایددیک مسلمان را کافر خطاب کند باآیات متبرکهٔ متعدودواحادیث نبوی کوشیدم تا (تثبیت حقیقت) کنم که: سادات بضد آیات قرآن و احادیث نبوی رفتار کرده است. اوبعضی اینکه این اشارهٔ محترمانهٔ مرا تقدیر کند واز لجاجت خودجلو گیری نماید، ممکن شماراتشویق کرده باشد تا جوابهای واهی ارائه کرده سفید راسیاه وسیاه راسفید را برآیا چون (تشبیهٔ حقیقت) بفروش برسانید. وهم در گفتار آقای عیار من کدام عوامفریبی ندیده ام، بلکه پرده از جنایات وفساد کار بهائی بر میدارد که آقای سادات وامثال شان همیشه آنها را بفروشی سپرده حرفی بزبان نمیاورند و حتی از شنیدن آن غمگین میشوند. اگر بالفرض محال خدا ناخواسته خدا ناخواسته سخن شما درست باشدو عیار هم عوامفریب باشد، بمراتب بهتر ازینست که تعلیمات قرآنی و گفتار پیشوای اسلام، انکار صورت گیرد. شما وسادات نباید آن آیات متبرکه و احادیث نبوی وغیره رانادیده میگرفتید. عیار وهمنشینان گر دهما ئی آب که اینکار را نکرده اند تکفیر نمیکردید ! اکنون بعد از این آیات و احادیث خدا کند بر خود فتوی صادر سازید !

دردوام نوشته اید: ... (مانند پیروان داعش وطالبان قرار گرفته مسحور سخنان فریبندهٔ اوشده... خوب! باز بر من یک تهمت ناجوانمردانهٔ نموده اید که ضرب المثل دمنار کی را بخاطر میآورد: (شیطان روی زبان افرادیتست که تهمت میزنند) ببینید در هر نقطهٔ دنیا که باشد تهمت به شد بدترین الفاظ بیان گردیده اما من نمی خواهم آن کلمهٔ منحوس را بشما اطلاق دهم؛ متأسفانه شما را همدیف ظالمترین مردم جهان قرار داده اید که ظلم جنگیز خان، علاء الدین جهانسوز و تیمور لنگ رافراموش مردم ساخته اند. باید با هم یکجا دست دعاباندنموده بگویم: خداوند بر ظالمان و پیروان داعش وطالبان که بعضی شان نقابداران بکنائی پوشان ونام های مستعار دارند، قسمی که در قرآن مجید، خود بر ظالمان لعنت فرستاده است، آمین بگوئیم. آمین یا رب العالمین! شما باید مانند (کلان سحران) دربار فرعون بوده باشید تا بدانید که من (مسحور) گردیده ام! لطفاً به سعدی گوش دهید:

مجال سخن تا نبینی زبیش
به بیهوده گفتن میر قدر خویش

به دوام نوشته اید: ... (شمشیر رزم آرائی در مقابل مخالفین شفیع عیار ازنیام کشیده اید). جای تأسف است که امر معروف را شمشیر رزم آرائی تعبیر کرده اید؛ قرار یک ضرب المثل یونانی، من سادات را(غواصی آموختم و تو می خواهی مرا غرق کنی!) وشمار اسادات یا ممکن تشویق دیگر دوستان تان قرار ضرب المثل انگلیسی که می گوید: دوست را در کارهای کوچک کمک کن و در کارهای بزرگ از آن استفاده کن، استفاده کرده اند (الله اعلم)!

در اخیر شما نوشته اید: جناب داکتر محترم، من ازین گستاخی خود از شما معذرت میخواهم... از یکسو میخواهم بگویم من باشما همنوا هستم وازسوی دیگر نگران شدم که شما نوشتهٔ تان را با توصیف من در آغاز، توهمین در متن و در اخیر هم مانند پاکستانها رمنش نشان داده اید، که معلوم نمیشود از تهٔ دل آمده باشد، چال تان را ماهرانه بازی کرده اید. ولی هماغونه که پاکستانها در فریبکاری های خود موفق نبودند شما هم بهدف نرسیدید.

آن مثل پشتو را که نوشته اید: دوست دی هغه وی چه ژره وی دی، دشمن دی هغه وی چه خنده وی دی، عین چیر را من با نوشتهٔ خود برای سادات درنظر داشتم واما مثل پشتوی شما یک ضرب المثل مصریست که گفته است: دوست واقعی ترامیگر یاند و باتو گریه میکند؛ اما کسیکه ترا میخنداند در دلش بر تو می خندد. ببینید ضرب المثل هسپانوی چه میگوید: آدم متقلب مانند زنبور. در دهن عمل دارد و در دم نیش! این بود جوابات من در مقابل نوشتهٔ شما اکنون شما از من بشنوید :

محترم الحاج امان الملک جلاله، آنچه در بالا از آیات متبر که و احادیث نبوی و گفتهٔ امامان مذاهب مختلف تذکر یافت فقط برای تنویر اذهان شما خوانندگان عزیز امید است که نتواستم تنها با بحث جوابات من این نوشته برای شما و دیگران دلنگنی بار آرد. از ترمذی نقل شده که روزی عبدالله پسر عمر فاروق (رضی) بسوی کعبه نظر کرد و گفت: (چقدر با عظمت هستی وچقدر حرمت تو بزرگ است، اما حرمت مسلمان بزرگتر از حرمت توست)؛ از بنرو شما را ینتهایت محترم میشمارم اما بعضی کلماتی در متن ذکر شده که باید یک طرز دیگر ارائه میگرددید نظر به اینکه سوالات، ها، تنها و تهمنهای شما بعدی بود که مجبوراً باید همانطور جواب داده میشد. حضرت سعدی در گلستان چه دری سفته است:

به لطافت جو بر نیاید کار
سر به بی حرمتی کشد ناچار
ثالث بالخیر وظیفه دارد تا بیطرف باشد اما شما تا که توانستید و خواستید برمن حمله ورشدید. کاش روش تان اندر زانه میبود تا بدست بوس شما میشد ا فتم. مولوی چه نیک فرموده است:

این جهان کوه است و فعل ما ندا
سوی ما آید ندا ها را صدا
از آقایان سادات، ظاهر داعی، کوثر و شفیع عیار محترمانه آرزو مندم که نه وقت خودونه از شنودگان خود راضیع سازند؛ لطفاً ازین لجاجت، مشاجره ومناظره های میان تهی دست بردار شده مردم خاصاً جوانان رابسوی اسلام تشویق و ترغیب نمایندو کاری نکنند که به ادیان دیگر که مملو از اشتباهات است رو آورند. محترم شفیع عیار راه مبارزهٔ (آب) تان بموفقیت نمی انجامد اگر شما با این آقا یون پروگرامهای تان را مصروف ساخته از هدف تان طفره روید. بفکر من اگر این مذکورین با این همه دلایل به روش خود دوام دهند جواب تان برایشان فقط (سلام) باشد.

راستی که بس است دیگر! همهٔ ما افغانستانی هستیم و فعلاً مسئولیت دینی و وجدانی ما نجات وطن ازفساد پیشگان اداری و پاکستانیها وجاسوسان شان است که ما و شما اکنون همهٔ شان را میشناسیم. قبل از کلام آخر میخواهم آنچه

قرضای در صفحه ۱۱۶ فقه سیاسی خود از محمدعبده شاگرد سید جمال الدین افغانی نقل کرده، حضور تان تقدیم کنم... دین اسلام معرفت قرآن وآشنائی با احکامش را خاص امام و ولی امر نمیدانند و آثار از ویژگی ومنزلت خاصی در این مورد برخوردار نمی شمارد. بلکه آنان و دیگرانی را که در جستجوی معرفت و دانش اند در یک ردیف قرار میدهند. تنها اندیشهٔ پاکتر و حق یابی افزوتر در احکام است، که معیار برتری میان آنهاست .

محترم الحاج امان الملک جلاله، این آخرین جواب من بشما خواهد بود و نمی خواهم این جار و جنجال دامنه دار شود. بالفرض اگر شما دوام دهید، من کدام

عکس العمل نشان نداده خموش خواهم ماند، زیرا حضرت سعدی (رح) میفرماید:

سخن گر چه دلیسند و شیرین بود
سزاور تصدیق و تحسین بود
چو یک بار گنتی مگو باز پس
که حلوا چو یکبار خوردند بس

ملاقات ما با داکتر محب (دنباله ازصفحهٔ پنجم)

نظربه تنگی وقت داکتر محمیرا گردیزی، تنها از فعالیتهای جوانان یاد نموده در بارهٔ سفر شان به یونان جهت کمک به افغانهای که مشکلات لسانی وطبی دارند با همکاری ودانجنم طبی افغانی بریتانیایی در ماه فبروری ۲۰۱۶ پیشرو دارند، یاد کرد. از کمک به مهاجرین افغان درواشنگن با مواد ضروریهٔ اولیه و کمک در قسمت مالی افغان ایمن کن کانفرانس، هم تذکر مختصر ارائه گردید.

مجلس در حوالی ۳:۱۰ عصر با یک فوتوی یادگاری پایان یافت.

جلالتمآب سقیر افغانستان(۱) قبل از تقرر یحیث سفیر افغانستان در واشنگتن دی سی، وظیفهٔ سنگین(معاون چیف آف ستاف) جناب رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان را بهعهده داشتند. وی درین موقعیت از دفتر سخنگویان، دفتر مراسلات و ارتباطات دیپلماتیکی، دفتر پروتو کول، دفتر عرایض، ودار الانشاء ریاست جمهوری بررسی بعمل میآوردند. هنگام مسئولیتهای وی در قصر ریاست جمهوری در ارتباط باحکومتهای همکارو تسوید موافقتنامه های دو جانبه و چندین جانبه رول یاز داشتند. داکتر محب، همچنین در آماده گیری های دقیق و سربراه ساختن ملاقاتها وسفرهای جمهوری به آذربایجان، بلجیم، چین، جرمنی، هندوستان، ایران، نیپال، پاکستان، روسیه، عربستان سعودی، ترکمنستان، امارات عربی، بریتانیا وایالات متحدهٔ امریکا پروتو کولهای مربوطه را مهیا ساخته جزء پلان ستراتیژی دولت برای ائتلاف اقتصادی وجیوپولیتیکی بودند. علاوهٔا، داکتر محب سرکردگی تیم مذاکرهٔ جمهوری را برای موافقت همکاریهای متعدد بین الحکومتی وفورمولبندی ستراتیژی، ربقورم انکشاف ملی افغانستان زیرنرم (درک اعتماد به خود) به دوش داشت .

داکتر محب، بکلوریا و دیپلوم PhD را با امتیاز honors از یونیورسیتی برونیل

لندن در بریتانیا بدست آورده است. این یونیورسیتی(۲) در حوالی سال ۱۹۶۶م یعنی پنجاه سال قبل فقط دوسال قبل از موصلت من در لندن برای تحصیلات عالی درشق جراحی تأسیس شده است. یونیورسیتی او را برای سهم کلچری و اجتماعی اش به کامپس یونیورسیتی مفتخر به جایزه ساخته سکارلشپ تحقیقاتی جهت بدست آوردن دکترای فیلوسوفی PhD را برایش اهدا کردند.

داکتر محب، قبل ازینکه به حکومت افغانستان پیوندد در کورر پوریشن انتال و یونیورسیتی امریکائی در افغانستان مشغول وظیفه بود و او یحیث یک لیدر فعال درین جوامع مدنی اجتماعات افغان شناخته شده است. داکتر محب، بنیانگذار بزرگترین انجمن جوانان مهاجر درارو باوانجمن محصلین افغانی در بریتانیا میباشد. اوهمنجین، موسس و رئیس بورد Afghan Professional Network (APN) یا شبکهٔ پروفیشنل های افغان بوده اوست که یک جمعیتی از متخصصین را برای مشوره در موضوعات پرا بلمهای بالخاصهٔ سیاسی واقتصادی(بحث افغانستان) آغاز نموده، پروگرام خدمات کمیونیتی جهت حمایت یتیمانیکه ضروریات بالخاصه در کابل دارند وشناخت پیشرفتهای خانهای افغانستان را معرفی کرده است. امیدروزی معلوماتی در بارهٔ نتایج فعالیتهای یحث افغانستانکه به خیر و امنیت افغانستان انجامیده باشد، بدسترس ما قرار گیرد.

داکتر محب، به لسانهای انگلیسی، پشتو و دری روان سخن میگوید و در لسان اردو اهنندی دسترسی کامل دارد. او مضامین متعدد دربارهٔ سیاست افغانستان وهم درساحهٔ اکادمیک به نشر سپرده است.

برداشت من ازین ملاقات چنین خلاصه میشود: این سفیر افغانستان در امریکا کر کنرعالی، شخصیت علمی داشته جوان روشنفکر یست که میخواهد از تجربه ودانش متخصصین واستادان افغانی در امریکا قبل ازینکه علمیت وتجربهٔ خود را در قعر زمین باخود بیرند برای بهبود حال واحوال مردم ازایشان استفاده نموده پل ارتباطی رابین آنهاو تصدیهای مختلف در افغانستان باجدیت تام مهیا سازد. چون خودش با مساعی شیاروزی شبکهٔ برای پروفیشنلها وانجمن محصلین وغیره را بنیاد گذاشته در میدان عمل با موانع متعدد روبرو گردیده میداند که چقدر قربانیهای مادی ومعنوی ضروراست تا به این اهداف نزدیک شد؛ شخصیت مجرب وعلمی چون داکتر حمدالله محب در کاراست تا مساعی انجمنها واتحادیه ها چون اپایا/امپا را با نظرنیک استقبال نماید. اگر اینگونه مرد فعال، وطن دوست و قضاوت نیک در قسمت ما سی سال قبل نصیب میشد امروز حالت صحی مردم افغانستان در همه محلات و ولایات به نوع دیگر میبود؛ اما باز هم ماهی هروقت از آب گرفته شود تازه می باشد .

ناگفته نباید گذاشت که جوانهای چون داکتر محب در راه رسیدن به مقامات عالی ولیدرشپ آیندهٔ مملکت تعلیم و تربیه دیده وتجارب گوناگون را تراکم کرده میروند ، باید بدانند که :

زنندهٔ جاوید ماند هر که نیکو نام زیست
کز عقیبش ذکر خیر زنده کند نام را
وهم بخاطر باید داشت که چشم و گوش وهوش مردم متوجه شان است تا در تقویه وحدت ملی راستین ودندان شکن به دشمن صادقانه سعی ورزنند، امنیت جدی عامه را در عمل داشته باشند، اردوی قوی وپلیس کاراگاه را حمایت وتقویه بخشند، اقتصاد رهنمائی شده توسط استادان دانش پژوهٔ افغانستان را مد نظر گیرند، رشد تجارت —صناع و ترانزیت مصنئون در لست الویت کار شان باشد، تهیهٔ کار و سر پناه برای مردم درج پلانهای ضروری شان گردد، سرنگون ساختن دشمنهای دوست نما را مسؤولیت حقیقی خود بدانند، محوسئون پنجم در ادارات دولتی واجتنهای آی اس آی را کاملاً پیاده نمایند، حمایت ازمنافع ملی را اهیئت دهند، توجه به صحت مردم و حفظ محیط زیست را جدی تلقی نمایند، احترام به IDQن اقوام مختلف را که بنیاد و اساس وحدت ملی همگانی را تشکیل میدهد بدون ترس و وهم عملی سازند، احساس برادری وبرابری را در جامعه پخش نمایند، احترام و حمایت از ژورنالستها و آزادی بیان راسرمشق زندگی خود و مردم افغانستان قرار دهند، حمایت اطفال —سالمخوردگان و بیوه های شهدای جهاد کنونی وسابق را جزء مسئولیت دینی و ایمانی خود بشمارند، سپردن کار به اهلش که متخصصین راستین باشند فوق العاده جدی گیرند، انتخابات شفاف — بدون تقلب و بدنامی دارین را غیر متحمل دانسته مجرمین را به کیفر اعمال شان برسانند، قلع و قمع فساد اداری از ریشه صورت گرفته افغانستان را از بدنامی سومین فاسد ترین مملکت جهان نجات دهند، مبارزه با قاچاقبران مخدرات را تحت هرنام ونشان و زور وقدرتی که باشد مردانه وار و با جدیت براه اندازند، برقراری عدالت اجتماعی و سزای خائنین ملی را که عاملین حقیقی بد نامی مفسدترین ممالک جهان برای افغانستان اند در یک محاکمهٔ صادق وعالم ووطن دوست رویکار گیرند، در مقابل قاتلان مردم با عزت و طفلیکان معصوم و ژورنالیست های خادم صادق وطن که به الصلح خبر ایمان ندارند زیر هرنام ویرقی که باشند شجاعانه بجنگند تا آخرین فرد این نامردان را یکیفر اعمال شان برسانند ... و... و... پلان های مثبت که منتج به مفاد مردم رنجکشیده وستم دیدهٔ افغانستان گردد درنظر داشته روی عملی ساختن آنها با توکل بخدای متعال جل و علی شانه مصروف شوند.
زمشکلات طریقت عنان متاب ایدل
که مرد راه نیندیشد از نشیب و فراز
۴- مأخذ: 1- http://www.embassyofafghanistan.org/page/biography
2- http://www.brunel.ac.uk/Agh.Stud.J., 1993, 43-46
3- G.M. Dastgeer, Future Health Care System In Afghanistan
4- دیوان خواجه شمس الدین حافظ شیرازی، انتشارات فخر رازی، صفحه۱۷۲ سال طبع ۱۳۷۴.

تأملی بر جلد دوم ... (دنباله ازصفحهٔ دوم)

کتاب(افغانستان در مسیر تاریخ) را باید به علنی یخوانیم واین مقالات رابه علنی نوشته ام که اگر حقایق دیروز رانداینیم یا بخوانیم بدانیم، چطور میتوانیم باحقایق خونین امروز وطن خود روبرو دشویم وچطور میتوانیم روشهای سازنده ومفید رابر گزینیم تا در تعیین فردایی که تکرار تاریخ امروزی، چنین شوم نباشد مؤثر بدانیم ؟

حقایق هرقدیر نزدیکتر باشند، جرقه هایش روزنده تراست. واکنش ما نسبت به حوادث نسبت به آنچه در جلداول افغانستان درمسیر تاریخ، خوانده ایم، به علنی شدیدتراست که آتشی که غبار درین کتاب بر افروخته، به مانزدیکتر است. این کتاب آیینة گذشته در حال است، این آیینه راقابلت بگذار، دیروز رادرامروز بین. نادر را در ملاعمر، گل محمد، مومند را در ملا مفتی، انگلیس را در پاکستان، واستبداد را در ارتجاع بین ! ازین آیینه یاموزوزاز حکومت تکرار تاریخ بذر آی ! از ویاوروی باحقایق امروز گریز ممکن؛ از وریا مینزارهاو کشتار گاههاومیدان های خون وآتش، کنفراننها ساز، لفاظی ها به کنار ! آتشی در کوهدامن و کلکان میشود ! خانه هاویران میگردد وخرمن ها به آتش کشیده میشود ! قطار آوارگان بی انتهاست، ازبازغابه دشتها ازخانه ها به ویرانه ها، ازخود به بیگانه، از امید به اندوه واز زندگی به مرگ !

از گوشهٔ آغاز کن ! از سستی قیام کن ! قیامها همزمان ازهر سمت نبوده ! ستمگرا باش، اما هدفت باید مردم ومردم سالاری باشد ! خیزش های اولین جهاد از نورستان هرات بود ! وحدت ملی یعنی قیام علیه استبداد، قیام از هرجهت بسوی عدالت ومردم سالاری ! بی سستی بودن یعنی بی هدف بودن ! این تریاک استبداد مرکز سالاری را از دماغت بیرون کن ! (دنباله در صفحهٔ هفتم)

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر- یکسال(۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر = یکسال (۱۱۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر- یکسال (۱۴۰)دالر

Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

تأملی بر جلد دوم ... (دنباله از صفحهٔ ششم)

کوهدامنی ! منتظر امریکا نباش ! منتظر ملل متحد نباش ! منتظر روم و قبرس نباش ! آنها سمتهای دیگر دارندو از سمتهای دیگری آیندو اینها که ترا و مرا به سمتکاری متهم میکنند، هم سمتهای دیگر دارند! سمت های شاید به سمت تو و مظلومان دیگر !

این آئینه را جلو فرزندت بگذار ! بگذار ببیند آن آتشی که دیروز خانه و خرمن پدرت را سوزانده باز امروز خانه و خرمن ترا میسوزاند ! /

اداره : در ستمز مان حکمرانی طالبی در میهن(۱۹۹۶-۲۰۰۱)، اکثریت قریب به اتفاق همکاران هفته نامهٔ امید، بشمول پروفیسر عبدالله سمندر غوریانی، داکتر محمد شریف فایض، محمدسعیدقاضی، عبدالودود ظفری، محمد نعیم کبیر، پروفیسرداکتر حمیدهادی و جمعی ازدانشمندان دیگر تلاش کردند حقایق تاریخی ستم قومی و ستمی وزبانی در افغانستان را، با مقالات مدلل ومستند به روشنایی بکشند، ومبانی برتری جویی، انحصارطلبی وریشه های ایجاد فاشیسم پشتونی را تشریح کنند.

سلسله مقالاتی درین موارد ازدوست دانشمند جناب داکتر فایض هم بین سال های ۱۹۹۲تا ۲۰۰۲ درامیدانتشار دادم . وقتی مقالهٔ بالا را اتفاقاً هفتهٔ پیش باز خوانی کردم، متوجه شدم که اگر نام محلات مانند (کوهدامن، کوهستان و کاپیسا رابه دندغوری و دهنهٔ غوری وقندز)، ونام آدم ها ! را از محمدگل مومند، ملاعمر وملاعتقی ودههاحبیث دیگر با نامهای ـ گلاب به روی تان ـ (گلاب منگل، حنیف اتمر، اشرف غنی احمدزی، حامد کرزی، قیوم کوچی ودیگرفاشیستان) تبدیل بکنیم، عین همان حائلهای فاجعه بار ایام ستمگری محمد گل و ملاعمر، اکنون هم ادامه دارد، وشایدهم وخیمتر وشدیدتر از آن زمان ها ! برای اساس نبشتهٔ جناب فایض که مستند بر کتاب مستطاب و مستندمؤرخ معتبر ومشهور معاصر کشور، شادروان میر غلام محمدغبار می باشد، باردیگربه خوانندگان عزیز امید تقدیم شد.
اداره

این دختر مدل نیست !



[بهاره جلالی] مشاور عالی شورای امنیت ملی افغانستان

قریب به سه ماه است که بهاره جلالی دختر یکدانه و نازدانه علی احمدجلالی به صفت مشاور جناب حنیف اتمر در شورای امنیت ملی منصوب شده است. علی احمدجلالی که زمانی درانتخابات ریاست جمهوری نامزدشده بود، ولی پس ناکامی درانتخابات از جانب جناب کرزی بعنوان وزیرداخله معرفی گردید، تابعیت امریکایی دارد و دختر نازدانه شان نیز امریکایی الاصل می باشد.

خانم جلالی که درسواحل امریکا دق آورده بود به توصیه پدرش در دانشگاه افغان امریکن در کابل تدریس میکردو از آنجاکه هزینه رفت و برگشت به امریکا و کابل سرسام آوربود و تدریس در دانشگاه تنها پول آرایش این خانم میشد، به توصیه امریکاییا به جناب حنیف اتمر معرفی شد تاهم به ایشان درباره مودوفیشن در امریکا مشورت بدهد وهم متخارج وهزینه های سفر به امریکا اوزودجه شورای امنیت ملی پرداخت شود. وی درشورای امنیت ملی علاوه بر کرایه خانه و متخارج رفت وآمده به امریکا و دیگر هزینه های جاریه، هفت هزار دالر معاش ثابت میگردد و این با احتساب دیگر هزینه های بهاره خانم به بیست هزار دالر در ماه می رسد.

چگونه است که یک دختر متولدا امریکا وبزرگ شده آنکشور، مشاور عالی در امنیت ملی افغانستان باشد تادرمهمترین مسایل امنیتی، نظامی وراهبردی کشور، نظرمشورتی و کارشناسی ارایه دهد؟وقتی می گویند قحط الرجال است نگویید نیست!!!

بایدبخطر داشته باشید در زمان سلطان کرزی که جناب متفکر صاحب هم برای رفت وآمد نزد رولا خانمش در امریکا ماه یکبارو یا هم دو بارسفر میکرد، از پول های زیرمیزی استفاده می نمود. (این خبر در بخش تلکس شایعات سایت شبکه اطلاع رسانی افغانستان نشر شده است)

صحبت ما در همینجا خاتمه یافته ومباحثه وارزیابی دفاع ونمره دادن هر شاگرد شروع شد. سپس شاگردان وهمه علاقمندان به صالون دعوت گردیدند. نتایج دفاع ونمرات شان اعلام گردید. مجلس دفاع خلاص و تبریک گفتن هاوده به دادن گل ها برای انتحیران جدید شروع شد.همه بطرف خانه ها و کارهای خود رفتند.ولی من که یک دشمن وطن وبادار خلقی ها وبرچسی هارا درحضورعدهٔ کثیری در شرایط اختناق، بگیروبیند، بیروکش،سخت ومردانه خجالت داده بودم واین کارم در آن وقت به منزلهء جنگ مشت با دروش بود و علاوه تا برایم اخطارهم داده بود. هر ساعت وهرلحظه در انتظار گرفتاری خود بودم.

سه چهار روزی به همین منوال گذشت، بالاخره از لطف یی پایان الهی آن استاد روسی وفرعون پولیتخنیک، دردیار تمنّت ساختمانهای صنعتی ومدنی، نزد آمده وگفت: حیدری من آنچه رابوقوع پیوست فراموش کردم، امید است توهم فراموش کنی.برایش گفتم تو که فراموش کردی من هم فراموش می کنم (خوب، بعد ازسی چند سال به یادم آمد، در قید قلم آوردم تا دیگر فراموشم نشود).

(همت بلند دار که مردان روزگار

از همت بلند بجائی رسیده اند) ./

پروفیسرداکتر لطیفی

پیام یک صاحب منصب وطن دوست در آستان پدرود زندگی

یکشنبهٔ گذشته ضمن مراسم تدفین مرحوم جنرال شیرمحمدبھسودی، یک عسکروصاحبمنصب فدا کار ووطن دوست، پدرمحبوب داکترحمیرا بھسودی، که من دروطن عزیزافتخار تدریس این باتوی فرزانه وطیب آزموده راداشتم، یک صفحه پیام تحریری مرحومی بدستم رسید، که قبل ازوفات خود، خطاب به عزیزان هموطن درداخل و خارج افغانستان، نشو ته بود ودر متن آن توصیه واتبیه مانند گاری رادر راه تحکیم وحدت ملی ودوری ازنفاق وقوم پرستی و امثال آن به یادگار گذاشته است. جنرال مرحوم در آغاز پیامش گفته است :



شادروان جنرال شیرمحمد بھسودی

[دوستان عزیز! بجای اینکه کسی وقت گرانهای شمارا باخواندن سوانح من ضایع کند، لطفاً به ییامی که به شمادارم، توجه کنید : امروز به دنیاآبت شده که هیچ قدرت به زور درافغانستان تسلط کرده نتوانسته، وهردشمنی بخاطر وحدت ملی ازخاک ما رانده شده است. ولی دشمنی که این ملت رابه زانو درمی آورد، بیسودی، فقر، تعصب منطقوی وقوم پرستی است.

افغانستان مملکت خیلی قدیمیست، به دلیل این قدامت بایدرشته ها میان اقوام بخاطر تجارت، مسافرت و آمیزشهای دیگر از قبیل ازدواج واشتراک زبان و کلتور قوت پیدا کند. درهرجایی که هستید به یکدیگر نظر کنید، همهٔ مافامیل هستیم. دورنرفته به فامیل من نظر کنید: خون شریف هزاره دررگهای اولادهٔ من جریان دارد، مرد اوزبیک یک عضوعزیزترین مرا به همسری گرفته، نوه هایم نیم پشتون ونیم تاجیک هستند، فامیل من نمایندگان هزاران هزارفامیل افغان میکند.

ماظربه اشتباهات خود مواقع خوب تاریخی راازدست داده ایم، در اثراین اشتباهات نهضتهای پاک و پیشرفته سرکوب شده وامکانات اقتصادی که برای ملت طرحریزی شده بود، تار ومارشد. بعدازسی و هفت سال جنگ وناآرامی هنوز هم ملت ما باجدیت وامید در فکر انتخاب رهبر آیندهٔ خود هستند، خواسته های این ملت نباید بخاطر دلایلی که اساس ومنطق نداشته باشد، پامال گردد.]

مرحوم جنرال شیر محمد بھسودی در قسمت اخیر پیام براتبه خود راجع به حقوق ومسائول بین زن ومرد، وآنها یی که کور کورانه زن سیزی کرده و مکاتب دختران را صدمه میزنند، چنین نگاشته است: [لطفاً مکاتب دختران مارا ویران نکنید، ترس درذهن دختران افغان داخل نکنید... مساوات بین زن و مرد بایدشروع شود، آزادی زن باعث افتخار میگردد. من بدخترانم همیشه افتخار داشته ام... نباید زبان کهن وشیرین فارسی وپشتو آلهٔ تعصب وتفر گردد ... امید من به آیندهٔ روشن است، تاریخ نشان داده است که زمان طلایی پیشرفت اقتصاد، صنعت وعلوم دردوره های صلح بوده است. جوانانی که رهبری آیندهٔ ملت رابهیده میگیرند، نباید ملوث به نیرنگهای عناصر فاسد، چه غرب وجه شد و همسایه هاشوند، همیشه باید پاک و هوشیار باشند].

اداره : روان مرحوم جنرال شیرمحمد بھسودی در ذیل مراحم الهی (ج) شاد می خواهم وبه همهٔ بازماندگان محترم شان، بوژه خانم داکترحمیرا بھسودی صبر جمیل استدعای کنیم . امید

دیپار تمنّت ساختمانهای صنعتی ومدنی تیزس کار دیپلوم ویرا نزد خودش یی ادبانه کش نموده ودردورقک زدن آن شد. بعدا موصوفه را(که متأسفانه اسمش را فراموش کرده ام) مخاطب قرار داده وگفت: این فورمل راغلط نوشته ئی. بیچاره شاگردم در آنوقت بسیار حساس بریشان خاطرومشوش شد. من تیزس موصوفه رابا بسیاری اعتنائی ازدست روس پلید که اصلاً مقصودش تحقیر من بود گرفته ودیدم که فورمل صحیح میباشد. ایستاده شده وبرایش گفتم فورمل صحیح است ومتأسفانه تو خود نمی دانی. همین جملات ازدهانم تکمیل نشده بود که تمام حاضرین در آن صالون اعم از خلقیها وبرچمیها آنچنان کف زدند که باصطلاح نزدیک بود سقف صالون بالا پیرد. این استاد نادان مانند چوب خشک گردیده ودر جای خود میخکوب شد وتا آخر مجلس دفاع از هیچ یک از شاگردان نتوانست ستوالی بکند.

طرزالعمل دفاع دیپلوم هاطوری بود که بعد از دفاع شاگردان، همه حضار محفل بجز هیأت دفاع صالون راترک میکردند. زمانیکه دیگران صالون راترک نمودند، همان استادانلاق روسی ایستاده بنده رامخاطب قرار داده وگفت: حیدری تومرا خجالت دادی، من میدانم با توجی کنم. من در مقابلش ایستاده وگفتم من ترا خجالت نداده بلکه نادانی تو، ترا خجالت داده است.در همان جائیکه ایستاده بودم پشتم بطرف شمال مملکت یعنی (اتحادشوروی سابقه) بود.بروی خودرا با نظرف گشتانده وگفتم دستت آزاد، از آنجا تامشاوریت پولی تخنیک، ریاست پولی تخنیک وهر جای دیگر که میتوانی ومیخواهی دریغ مکن.

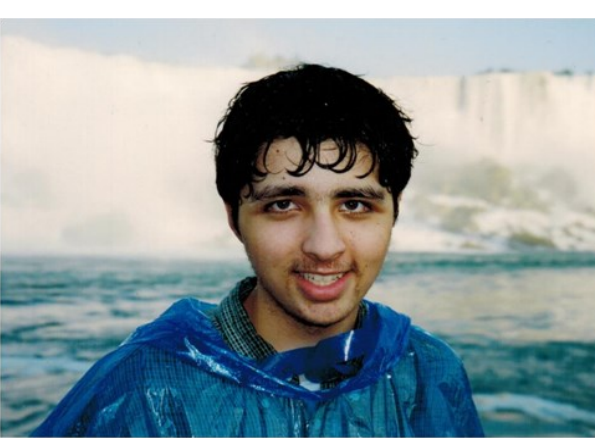
بازگشت همه به سوی اوست

-وفات مرحوم عزیزالر حمن صافی رادر کانادا به خانوادهٔ محترم شادروان نایب سالار عبدالرحیم خان صافی بوژه همکارار جمندامید بانو ماری خلیلی ناصری صمیمانه تسلیت می گوئیم . امید

-وفات مرحومه بی بی حاجی حفیظه ارغند یوال رادر کانادا به خانواده های محترم ارغندیوال وجمیلی صمیمانه تسلیت می گوئیم. امید

-وفات جوان عزیز زکریاحسین رادر مر یلندبه خانواده های داغدار حسین، زکریا بهادرزاده، اسماعیلزاده، بیات، سلطانی ومجیدی صمیمانه تسلیت می گوئیم. امید

-وفات جوان گرامی سپاند کمک رادر کابل به خانواده های داغدار کمک، مکمل، طاهر و صافی صمیمانه تسلیت میگوئیم . امید



شادروان الحاج انجنیر محمدعصیم کوشان، زیرآبشار نیاگارا، کانادا (۲۰۰۷) پیامهای مهربانان به خاطر وفات همکار عزیز امید محمدعصیم جان عبدالخالق بقایی یامیرزاد ـ سویدن : برادر عزیزم جناب کوشان ! نخست از همه آرزو میکنم ازغم وعصه های جگر گوشهٔ زیبا وجوان تان عصیم جان کوشان کاسته شده باشد. میخواستم وبشما وعده داده بودم تا مرتبه گونه مطلبی انشاد و تقدیم دارم. دو چیز سبب تأخیر شد : ۱- نبود پسرم جاوید که باید آن مرتبه را ایمل میکرد؛ ۲- مصروفیت شباروزی خودم در بیمارستان بخاطر معاینات. لطفاً اعتذار مرا قبول فرموده و برای تمام اعضای خانوادهٔ بزرگ تان وسیله شو بد. دعامی کم خداند بخشاینده ومهربان، جای آن تو نهال رستهٔ باغستان کوشان را خلد برین داشته باشد، ودر روز آخرت باعث شفاعت وابستگان و دوستان گردد. جیمیله فضل ـ از جکسونیل فلوریدا : برادر نهایت گرامی وداغدار ما کوشان صاحب! با تقدیم احترامات خالصانه، ازغم جانگداز ارجمند دلبد و شادروان و جوان تان، تسلیت عمیق مرادر چنین ضایعهٔ دردناک بپذیرید. ما هم از نمک زهر آلوداین درد علاج ناپذیر چشیده ام وخوب میدانم که چه درد عظیم است .

ضایعهٔ مردم یابه ابدیت پیوستن به هر شکلی که باشد، در خواب یا بیداری، در جنگ یا کشتن، شدیدا هولناک است. گفته اندصبر تلخ است. از خداوند منان که تحفه میدهد چون شهید، وپس میگردد چون زهر، باعجز تمام التجا میداریم تا به آرامش دل داغدار شما ومهربانش وهبه اعضای خانواده محترم تان صبر جمیل اعطا فرموده، روان آن جوان پاک سرشت راباجمع گذشتگان شاد داشته، بهشت برین راجایگاه شان سازد. آمین یارب العالمین. الهی این غم آخر شما باشد. فتح محمد نیاز ـ کانادا : برادر نهایت گرامی وعزیزالقدرم آقای کوشان ! احترامات خود را تقدیم میدارم. بعد از غیابت چندوقته، در بازگشت، شماره های امیدعزیز را دریافت ودر یکی از آنها از عصیم جان عزیز ذکر شده است. نمیتوانم به کدام کلمات، مراتب تأثرات عمیق خود وفامیل خود در خدمت شما وفامیل محترم تان تقدیم بدارم. کلمات نمی توانند احساسات مرا بازگو بند. میدانم شما وفامیل محترم تان همه باعقیدهٔ راسخ هستید، هر آنچه ارادهٔ الهی باشد، بر آن همهٔ ما و شما تسلیم هستیم . از بارگاه ایزدمتعال استدعا دارم که جایگاه عصیم عزیز را در بهشت برین داشته باشد. آمین. مراتب تسلیت همهٔ مارا به فرد فرد فامیل محترم تان وسیله شو بد. با تقدیم احترامات فائقه.

حاجی عبدالصمد حاجی زاده ـ هامبورگ : به مناسبت وفات شادروان انجنیر حاجی محمدعصیم کوشان به شما وسایرفامیل کوشان صمیمانه تسلیت میگویم . طی هفته های اخیر دوستان گراقتدر ومهربان دیگر هم بخاطر وفات فرزندمان شادروان محمدعصیم کوشان، مراتب تعزیت وتسلیت خود راتوسط تلفون ابراز داشته اند: استاد واصف باختری، استاد ببرک وساء، فضل الرحمن فاضل، سیدمصطفی هاشمی، استادعبدالله سمندر غوریانی، عبدالکبیر وطندار، نصیراحمد رازی وباتو عقیفه رازی، وحید احمد رازی، حاجی محمدامین قدیرزاده، مجید احد، خالد صدیق، انجنیر سرور کامیار وخانم جمیله کامیار، محمدنعیم کبیر، استاد امیرمحمد کیفی وباتو فاطمه کیفی، حامد حسینی، عبدالقدیر سلیم، داکتر عنایت الله شهرانی، پروفیسرداکتر حمیدهادی وباتو عقیفه هادی، انجنیر عبدالصبور فروزان، غلام محمدنظامی، الحاج محمداکبر شیرزاد، فواد رحمانی بگراموال، استاداحمدرا تـب، دگروال نورالدین نوری، مشتاق احمد کریم نوری، عبدالمصور التزام، محمد یوسف صفا، محمد یوسف نورزایی، سیداعظم سیدی، داکتر حمیدالله مشید، صادق صافی، سیدجمال معصومی، غلام فاروق پروانی، دگروال نعمت الله احمدزی، سیدتقیب الله ولی، سیدحسب الله ولی، محمدعمر هاتف، محمدحسین نصرتی .

اگر اسمای گرامی بعضی عزیزان فراموش مان شده، به لطف خود ببخشند. ثمیله ومحمدقوی کوشان

فرشته نجوا عصیم، نامزد مرحوم محمد عصیم جان، در (رخنما) فیسبوکش :

هوایت که به سرم می زند ،

دیگر در هیچ هوایی نمی توانم نفس بکشم !!

عجب نفس گیر است هوای دور از تو بودن !!!

شبهه در بارهٔ رنج های مقدس (دنباله از صفحهٔ چهارم)

اشغالگران، میخوام هم یکی ازدهها برخورد بسیار شدیدخودرا در مدت تدریسم در پولیتخنیک کابل باروس ها وغلامان حلقه بر گوش وفلاده برگردن آنها بطور فشرده بیان نمایم : درانستیتوت پولیتخنیک کابل که شاگردان برای پنج سال تعلیمی مطابق ده سمستر درس میخواندند،سمستر دهم آنها مخصوص اجرای پروژه های دیپلوم هایشان بود. هراستاد واجد شرایط دیپار تمنّت، پنج الی شش شاگرد رادر کارهای پروژهٔ دیپلوم هایشان راهنمایی میکرد. در آخرسمستر چند روزی برای دفاع محصلین از پروژه های دیپلوم هایشان اختصاص داده شده بود. درروزها و اوقات دفاع پروژه های دیپلوم، یک تعداد زیاد محصلین، رفقا، دوستان واقارب آنها حضور بهم میرسانند.

درسالهای ۱۳۶۱ ویا ۱۳۶۲ هـ.ش. بود، روزیکه یک دختر محصله از شاگردانیکه کار دیپلومش را من راهنمایی میکردم، در صالون ودر مقابل حضار مجلس از کار پروژهٔ دیپلوم خود در حال دفاع و سخنرانی بود، یکی از استادان روسی

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری،به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند یک نسخهٔ انرا از مرجع ذیل بدست بیاورند :

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

افغانستان باخطر سقوط سیاسی مواجه است

۹جنوری/واشنگتن -صدای امریکا: رئیس اداره ملی استخبارات امریکامیگوید همکاری سیاسی درافغانستان درافول است و تهدید های امنیتی بیشتر شده اند. کبیر گروه دولت اسلامی داعش را بزرگترین تهدید دهشت افگنی درجهان خواند. جیمز کلپر، رئیس اداره ملی استخبارات ایالات متحده امریکا، سه شنبه به یک مجلس استماعبه سنای امریکا گفت افغانستان در سال ۱۶ تا ۲۰ با خطر ناکامی سیاسی روبروست. اداره ملی استخبارات به شمول سازمان مرکزی استخبارات (سی آی ای) هماهنگی ۱۶ادارهء استخباراتی امریکا را مدیریت میکند. کلپر گفت همکاری سیاسی در افغانستان در نزول است، دولت با آزمونهای جدی منابع مواجه است ودرین میان تهدید های جنگی طالبان شدت یافته است. از بدوایجاد حکومت وحدت ملی که بدنبال انتخابات جنجال برانگیز ۲۰۱۴ از سوی دو نامزد برترتشکیل یافت، شماری از آگاهان پیوست و ثبات سیاسی نظام افغانستان را شکننده توصیف کرده اند. هر دو رهبر حکومت افغانستان اما بارها تاکید ورزیده اند که بر اصل مشارکت و همکاری تعهد دارند. درهمین جلسه دگر جنرال ونست ستیوارد، رئیس اداره استخبارات نظامی امریکا گفت باآنکه نیروهای افغان مستقلانه نبردباشورشیان مسلح را رهبری می کنند،اما درانجام مسئولیت هایشان آزمون هایی دارند. وی افزود: (طالبان ساحهٔ کنترل دولت افغانستان رامحدود ساخته اند).

درحالیکه حکومت افغانستان گفته به زودی مذاکرات مستقیم صلح با طالبان را ازسرمیگیرد، مقامهای ارشد استخباراتی امریکا ازموافقت این مذاکرات اطمینان ندارند. به گفته جیمز کلپر، موقف و شرایط طالبان در مورد مذاکرات صلح ثابت مانده و نشانه هایی از تغییر در آن دیده نمی شود. طالبان خروج مکمل تمام نیروهای خارجی از افغانستان را پیش شرط اساسی ختم منازعات شان بیان کرده اند.

روزنه صلح در افغانستان و مرگ یک رهبر طالبان

۹ فبروری /کابل - صدای امریکا: هر آنگاهیکه خبرها از روند صلح افغانستان بگوش رسیده یا روزنهٔی برای تحقق صلح در آن کشور ایجادشده، خبری از مرگ یا کشته شدن یکی از رهبران طالبان که به گونهٔی متمایل به صلح بوده اند، به نشر رسیده است. این گروه امروز سه شنبه، خبر مرگ ملا حسن رحمانی، والی پیشین رژیم قندهار را تایید کرده گفتند بخاطر ابتلا به بیماری سرطان جان باخته است اما در بارهٔ محل و زمان مرگ وی چیزی نگفته اند.

اسماعیل قاسمیار، عضو ارشدشورا،عالی صلح میگوید ملاحسن رحمانی از جملهٔ آن رهبران طالب بود که به روند صلح ومفاهمه درافغانستان باورمند و علاقمند بود.مردم نگرانند تاامدادابازهم حلقات ادارهٔ استخبارات پاکستان بازی دیگری را برآه بیاندازند.من گفته ام اینبار پاکستان اراده ونیت دارد تا در آوردن صلح وثبات در افغانستان همکاری کند. اما هر باریکه گامی مثبتی در راستای صلح برداشته میشود، رویدادو حادثهٔ رخ میدهد که دو گام ما را به عقب میراند. مرگ طبیعی یا عمدی: اینکه مرگ رحمانی عمدی بوده یا طبیعی صحنههای ضدو نقیضی بگوش میخورد. حاجی آغا لالی دستگیری، عضو شورای ولایتی قندهار ومشاور امور قبایل غنی احمدری در بارهٔ مرگ طبیعی ملاحسن رحمانی ابراز شک و تردید میکندو خبر مرگ ملا حسن را بخاطر بیماری سرطان بی اساس میخواند. بسیاری از رهبران طالبان درین اواخر به گونهٔی مرموزی مرده اند. فکر میکنم شکار دسیسهٔ شده باشد چرا که از طرفداران صلح در افغانستان بود. اماو حیدرمژه تحلیلگر مسایل سیاسی افغانستان، کشته شدن ملاحسن را رد کرده

میگوید هفت ماه پیش خبر ابتلای این رهبر ارشد طالبان به بیماری جگر به نشر رسیده بود و خانواده وی هم در ارتباطاتیکه با حلقات طالبان در کابل دارند، هیچ گونه عکس العملی در رابطه نشان ندادند. با ازین رفتن رحمانی، پاکستان بیشتر ین زبان را میکند لذا اینکه ادارهٔ استخباراتی پاکستان دست به کشتن رحمانی زده باشد، بعید به نظر میرسد. مژده میگوید درین بازی پاکستان با مشکل مواجه میگردد. { پاکستان} در گذشته ملا رحمانی را وادار کرده و او را به ارومچی و اسلام آباد آوردند اما اکنون باید در تلاش یک فرد دیگر باشند تا به نمایندگی از طالبان در مذاکرات صلح شرکت کند.این تحلیلگر میگویدطوری به نظر میرسد که یکبار دیگر جامعهٔ جهانی تصمیم دارد عنان صلح افغانستان را به دست پاکستان دهند. مژده می گوید باظهاراتیکه از مقامات نظامی امریکامانندجنرال کمبیل، فرمانده نیروهای حمایت قاطع درافغانستان، بگوش میخورد، گفتگوهایی چهارجانبه بخاطر ایجاد صلح نبوده بلکه به خاطر ادامهٔ جنگ در افغانستان است. برخی گزارشهای تایید نشده حاکی است که ملا حسن رحمانی روز دوشنبه در یک شفاخانهٔ نظامی پاکستان در گذشت. اویش از مرگ با ملا اختر محمد منصور رهبر جدید طالبان بیعت کرده بود.رحمانی ۵۵ساله که تعلیمات دینی را در مدارس پاکستانی فرا گرفته بود، در زمان تهاجم قشون سرخ شوروی وقت برافغانستان در صفوف مجاهدین میجنگیدودر سال ۱۹۹۴یکی از پیشگامان تحریک طالبان بود که سپس به صفت والی کندهار گماشته شد و تا دسمبر ۲۰۰۱ که رژیم طالبان سرنگون شد، در این سمت باقی ماند.

این درحالیست که درسومین نشست چهارجانبه میان نمایندگان افغانستان، پاکستان، امریکا و چین روز شنبه (۷دلو) در اسلام آباد پاکستان، روی نقشه راه که مراحل و گامهای بعدی روند گفتگوهای صلح را مشخص می سازد، توافق صورت گرفت.

۱۳.مخالف دولت در عملیات بغلان کشته شدند

۱۰ فبروری /بغلان - بی بی سی: عبدالستار بارز، والی بغلان میگوید در نتیجه عملیات نیروهای امنیتی درین ولایت تاکنون ۳۰مخالف کشته و ۹۵نفر شان زخمی شده اند. انزیمه شب گذشته در منطقه برف می بارد و عملیات متوقف شده اما عملیات تا پاکسازی کامل منطقه ادامه خواهد داشت. این عملیات به تاریخ ۶دلو به فرمان رئیس جمهور از منطقه دندغوری آغاز شد. اکنون پاکسازی ساحات بغلان مرکزی، بغلان کهنه و بغلان صنعتی تکمیل شده و این مناطق در اختیار نیروهای مسلح افغان قرار گرفته و پاسگاه های امنیتی جدید ایجاد شده است.

امید را برای دوستان تان اشتراک کنید. مطمئن باشید از شما ممنون می شوند .

Omaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 24, Issue No. 1013 , February 15, 2016, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.

Tel/fax:(703) 491-6321 Cell:571 435 4604
Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان وشاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه وخاطرات استادان وشاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه همراه باعکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاًهرچه زود ترشرح حال وسرگذشت وخاطرات خودرابه آدرس هفته نامهٔ امید ویا ایمیل ذیل تاآخرماه جون ۲۰۱۶ ارسال دارند.

تلفون ۰۵۷۱-۴۳۵-۴۶۰۴
mkqawi471@gmail.com
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

PHONE # (510) 792-2629	BANK OF AMERICA	ACCT # 06636-74303
خانواده های فقیر و بی پناه در افغانستان چشم براه کمک های شما هستند.		
		PANAH CHARITY P.O.BOX 3131 SAN RAMON, CA 94583 www.panahcharity.org rbenish@panahcharity.org 501c (3)

سرخنگوی ارتش امریکا گفت: فرستادن این نیروهابه هیرمند ازپیش برنامه ریزی شده بود تا هم از مشاوران کنونی بیشتر حفاظت شود وهم از تلاش ها برای تجهیز، آموزش وتقویت قول اردوی ۲۱۵ حمایت شود.مقامهای امریکاپیشتر گفته بودندشماراین سربازان ۲۰۰نفر خواهد بود، اما لاهوون از ارائه جزئیات درموردشمارنیروها خودداری کرد اما گفت تعداد آنها قابل توجه خواهد بود. ائتلاف به رهبری ناتو درافغانستان ماموریت رزمی خود رادرپایان سال ۲۰۱۴ تمام کرد و پس از آن حدود ۱۲هزارسربازناتو که بیشتر آنها امریکایی هستند برای آموزش، مشاوره و حمایت از نیروهای امنیتی افغانستان زیرنام ماموریت حمایت قاطع در این کشور باقی ماندند.

خبرگزاری رویترز نوشت نبردهای شدید درهیرمند مشاوران نیروهای ویژه امریکا درین ولایت را زیر فشار قرار داده و درماه گذشته یکی از آنها در نتیجه آنتباری کشته شد .

جمله انتحاری در پکتیکا شش کشته به جا گذاشت

۸فبروری /پکتیکا-بی بی سی:مقامهای پکتیکاکازوقوع یک حمله انتحاری در ولسوالی یحیی خیل این ولایت خبردادند. موسی خان خروتی، ولسوال یحیی خیل گفت در نتیجه این حمله ۶ نفر، از جمله سه کودک کشته و ۹ نفر زخمی شده اند. تمام قربانیان این رویداد غیر نظامیان هستند. خروتی گفت هدف این حمله خود او بوده و انفجار لحظاتی پیش از عبورش از این محل رخ داده است. حمله کننده انتحاری موادمفجره اشرا قبل ازظهر امروز در یک نانوائی که حدود ۲۰ مترا دفتر ولسوالی فاصله داشته منفجر ساخت. مسئولیت این رویداد را تاکنون فرد یا گروهی بر عهده نگرفته است.

حمله انتحاری در بلخ سه کشته بجا گذاشت

۸فبروری /بلخ - بی بی سی: وزارت دفاع افغانستان اعلام کرد در پی انفجار انتحاری در کنار مینی بس حامل افسران ارتش، سه افسر کشته و هشت نفر زخمی شده اند. نصرت الله از مسئولان دفتر مطبوعاتی قول اردو (سپاه) ۲۰۹ شاهین در شمال گفت یکی از زخمیان کودکی است که در محل انفجار حضور داشته و ۷فرد دیگر افسران و سربازان ارتش هستند، وضع سه نفر زخمی وخیم است. طالبان مسئولیت این حادثه را پذیرفته اند.

ترسیم نقشه راه صلح افغانستان در اسلام آباد

۶ فبروری /اسلام آباد- تلویزیون نور: در نشست امروز اسلام آباد نقشه راه صلح ترسیم شد. دراعلامیه پایانی نشست آمده : گروه هماهنگی چهارجانبه، روی نقشه راهی که مراحل روند گفت گوهایی صلح را مشخص میسازد، به توافق رسیده است. برای رسیدن به نتایج مثبت به هدف آغاز گفت گوهایی مستقیم صلح، کشورهای گروه هماهنگی چهارجانبه، توافق کردند که تلاشها را برای تعیین تاریخ گفت گوهایی مستقیم صلح، میان نمایندگان حکومت افغانستان وگروههای طالبان ادامه دهند. توقع میروند تا پایان فبروری امسال، تاریخ گفت گوهایی مستقیم تعیین شود .

در دندغوری سلاح ومواد مخدر مبدله می شود

۷ فبروری /کابل - آرمان ملی: در نتیجه معامله ایکه چندی پیش توسط وزیر اقوام وقبایل در دندغوری صورت گرفت و دندغوری به طالبان سپرده شد، مردم اینولایت در آتش جنگ میسوزند، کابل هم در نتیجه همین معامله در پی برقی بسر میرد. طالبان در دندغوری به حدی قوی شده اند که نیروهای امنیتی افغانستان هم نمیتواند در مقابل این گروه بایستند و مقابله کنند.

عباس ابراهیم زاده عضو مجلس نمایندگان گفت تفاهنامه دندغوری خلاف قانون اساسی افغانستان است. هر چیزی که هم اکنون در این منطقه جریان دارد در تسلط حکومت نیست. در آتجا اکنون هم سلاح وهم موادمخدر مبادله میشود. تفاهنامه ایکه در دندغوری امضا شده به این معناست که به طالبان مشروعیت داده شده است. حکومت به جای اینکه تفاهنامه برای امنیت بغلان امضا کند، باید در حوزه پلیس و فرماندهی امنیت ایجاد میکردو کسانیکه در آنجا امنیت مردم را خراب میکنند بازداشت میکرد. وی، هدف از امضای این تفاهنامه راجعین بیان کرد: این تفاهنامه براساس برنامهٔ بزرگ وبا هدف ناامن کردن شمال، امضا شده است. این برنامه ازسوی کشورهای بزرگ رهبری میشود و هیچ هدفی جز ناامن نگهداشتن و پیچیده کردن اوضاع امنیتی افغانستان ندارد و گر نه هیچ اجباری وجودنداشت که این تفاهنامه امضا شود.

ابراهیم زاده، بانتقاد از حکومت برای امضای این تفاهنامه بیان داشت، چرا ما بجای اینکه با طالبان تفاهنامه امضا کنیم و امنیت آنجا را به دست آنها بسپاریم، آنها راسرکوب نکرده و از آنجا بیرون نرانیم. اگر قرار باشد در هرولسوالی افغانستان چنین تفاهنامه امضا شود این حکومت چرا ایجاد شده است؟ وی افزود، اردو، پلیس و امنیت ملی چه نقشی در کشور دارد؟

سناریوی خطرناک و بزرگی در پس پرده امضای این تفاهنامه است که ازسوی امریکا وحکومت اجرا می شود. این نماینده مجلس، امریکا را در پشت پرده این تفاهنامه می داند و می گوید: کسانی که این تفاهنامه را امضا کرده اند باید در مقابل پارلمان افغانستان و در مقابل مردم افغانستان پاسخگو باشند. وزیر اقوام قبایل این تفاهنامه را امضا کرد، درحالیکه این موضوع مسألهٔ ملی است. مسألهٔ است که حکومت خود مستقیماً باید در آن دخیل باشد.

شمس الحق بارکزی، وکیل شورای ولایتی بغلان گفت مناسفانه در جنگ ها شمار زیادی از خانواده ها آواره شده اند، اردوگاه مشخصی برای خانواده های بیجاشده نیست و برای فرار از سرما و گرسنگی چندین خانواده به یک خانه پناه برده اند. شماری از آوارگان فقط توانسته اند که یک جوهر لباس یا خود بیاورند و دولت نیز تاکنون کمک لازم را به این آوارگان جنگ نکرده است. در خط مقدم جنگ در دندغوری شماری از خانه ها نیز تخریب شده است.

نزدیک به پنج ماه پیش بخاطر تامین امنیت در دند غوری میان مردم محل و دولت تفاهنامهٔ برای آتش بس امضا شد. امضای این تفاهنامه با واکنش های شدید مواجه شد و به تازگی مقام های محلی بغلان از نقض این تفاهنامه امنیتی از جانب مردم محل ابراز نگرانی کرده و آن را ملغا اعلام کردند.

والی جدید قندز: مستقیم به جبهه جنگ میروم

۱۰ فبروری /قندز- بی بی سی: اسدالله عمرخیل، که دیروز سه شنبه ۲۰دلو توسط اشرف غنی، بعنوان والی جدید قندز معرفی شد، امروز اعلام کرد که با بازگشت به قندز مستقیم به جبهه جنگ خواهد رفت نه به دفتر کارش. او گفت علاقمند است تا زمانیکه امنیت قندز تامین نشود، همراه نیروهای امنیتی در داخل سنگر باشد. او تایید کرد که وضع امنیتی قندز خوب نیست و این ولایت به مرکز تجمع نیروهای مخالف مبدل شده است. او افزود ابتدا بانبروهای امنیتی موجود کار خواهد کرد و بعد از بررسی اوضاع ولایت مطالبات مشخصی رادر زمینه کمیت و کیفیت نیروهای امنیتی از دولت مرکزی خواهد داشت. او قبلا رئیس شورای صلح قندز بوده، سابقه جهادی وعضویت درحزب اتحاداسلامی عبدالرب رسول سیاف را دارد. در جریان مقاومت در تخار بوده است.

قندز یکی از ولایاتی بحساب می آید که نیروهای مسلح وفادار به فرماندهان محلی نقش ونقوذ گسترده دارند، ولی عمرخیل گفت تلاش خواهد کرد تا این نیروها را در قالب نیروهای امنیتی افغانستان همانند نیروهای پلیس محلی، پلیس ملی و ارتش ملی جایجا کند.

والی جدید قندز درباره اینکه چرا بعد از پاکسازی قندز از نیروهای مخالف دولت، عملیات نظامی درسراسر این ولایت ادامه نیافت، گفت بعد از سقوط قندز مشکلات زیادی در ساختارهای اداری بوجود آمد که باید حل میشد. نیروهای مخالف با سقوط قندز توانسته بودند اسلحه ومهمات زیادی بدست بیاورند و باید مناطقی را که آنان به پناهگاه خود تبدیل کرده، آزاد شود. برای پاکسازی ولایت قندوز به یک عملیات سراسری ضرورت است که نیروهای امنیتی افغانستان باید بعد از ختم عملیات امنیت پایدار را در این مناطق تامین کنند. جنگ قندز خسارت بزرگ اقتصادی برای ساکنان این شهروارد کرد، سقوط شهر قندز به دست طالبان و ادامه حضورشان درین شهر نشان داد که وضعیت این شهر با سایر شهرهای شمال افغانستان برای طالبان بسیار متفاوت است. تحلیلگران قندز را برای طالبان کلیدشمال افغانستان می خوانند. در سال ۱۳۷۶ که طالبان به شمال دست یافت، قندز را به پایگاه مستحکم خود تبدیل کردند. در خزان ۱۳۸۰ و در پی سقوط رژیم طالبان، آخرین شهر شمالی که طالبان آنرا ترک کردند، قندز بود.

راه کابل - شمال به دلیل برفباری بسته شد

۱۰ فبروری /پروان - بی بی سی: جنرال رجب، مسئول حفظ و مراقبت از سالنگها اعلام کرده به دلیل برفباری شدید و برف کوچ در این محل، اکنون مسیر بر روی عبور مو ترها بسته شده، برفباری اکنون به شدت ادامه دارد و در سالنگ شمالی حدود یک متر برف باریده و در سالنگ جنوبی برفباری با طوفان همراه است. او افزود که با افزایش ضخامت برف، وقوع برف کوچ بزرگ زیاد است و تاکنون نیز چند مورد برف کوچ گزارش شده است. بدلیل افزایش خطر، اکنون ماشین های برف روب نیز کار را متوقف کرده منتظرند با ختم برفباری کار پاکسازی جاده ها را از سر گیرند. به گفته آقای رجب صبح امروز نیز یک اتوبوس که از کابل به شمال می رفت، به دلیل عدم رعایت مقررات رانندگی تصادف کرد. ۲نفر در این حادثه کشته و ۱۹نفر زخمی شدند. او گفت که زخمی ها به مراکز درمانی منتقل شده، ولی وضعیت سه نفر آنها نگران کننده است. چند روز قبل نیز تونل سالنگ به دلیل برفباری مسدود شده بود. تونل سالنگ نزدیک به ۳ کیلومتر طول دارد، در ارتفاع ۳۹۵۰متری از سطح دریا و در قسمت مرکزی رشته کوه های هندوکش قرار گرفته است. تونل سالنگ از محدود راه های اتصال یا تخت افغانستان با ۱۱ ولایت شمالی و شمال شرقی است. بارش برف سنگین در این نقطه، همه ساله مشکلاتی را در رفت و آمد شهروندان ایجاد می کند.

امریکا صد ها سرباز به هیرمند می فرستد

۹ فبروری /واشنگتن - بی بی سی: ارتش امریکامیگوید قرارست صد هاسرباز برای حمایت از نیروهای امنیتی افغانستان به ولایت هیرمند فرستاده شوند. مایکل لاهوون، سخنگوی ارتش امریکا بانتشار یائیهٔ گفت این نیروهابرای تامین امنیت هیرمندو حمایت ومشاوره به قول اردو (لشکر) مستقر در این ولایت فرستاده می شوند.

در ماه های اخیر گزارش های متعدد حاکی از نبرد شدید میان نیروهای امنیتی افغانستان وطالبان در هیرمند بوده و به تازگی بار دیگر یک مقام نظامی افغان درمورد خطر سقوط قرب الوقوع ولسوالی کلیدی سنگین درین ولایت خبرداد.